

تاریخ فرانس

و فتوحات دیگری که پس از آن شد اسوئیزریند و نیپلس و اسپین و بعضی از جاهای دیگر
 را هم در تحت انقیاد فرانس در آورد. بالاخره اتفاقی شد میان ول و ممالک غلظت یورپ و نیپلس با جریان فتوحات
 خود بازاریتیا و منسوخ گشت اجتماع شد شهر وینا و در آن مجمع فرانس بحال نخستین خود باز داشتند و میران را
 بحدود و وسعت قدیش محدود ساختند و خانان بمر بان مجدداً به سلطنت فرانس مقرر گشت.
 بعضی ادو قالی می که از این زمان مذکور فوق مجرد رخ داد هم هر یک کم از فتنه غلطی (یعنی روالیوشنی) نبود
 مثل اینکه در سال ۱۸۳۰ عیسوی چیرلس ۱۰ را لاچار کردند که از تاج و تخت خود دست بردارند
 لوالیس فلیپ بجای او نشست بآنکه اقتداری محدود و اختیاری و یک فتنه دیگری نیز روی داد
 در سال ۱۸۴۸ که پادشاه مذکور را هم مجبور ساختند که تاج و تخت را فرود گذارد و آنگاه سلطنت جمهوری
 گشت از سال ۱۸۵۱ مجدداً قانون ولتی شد بسیار قوی در زمان ریاست لوالیس نیپلس پس از
 نیپلس که ۲۰ سال در واقع کلیدرتن و فتق امور تمام دول یورپ و قبه فتنه اقتدار و اختیاری بود تا
 اینکه در جنگ با دولت پروس و شیا چون فرانس مغلوب شد مشارالیه با نکلند رفت و در انجا برود و چنانچه
 در بیان حکومت ملک مذکور نوشته ایم اکنون باز دولت فرانس جمهوری است.
 آثار قدیمیه - از آثار و علامات قدیمیه این ملک سکه های بشکل پیداسلوبی تا کنون باقی مانده است
 و چون بوضع سکه های یونان ساخته شده لهذا چنین گمان زفته است که اینها از اثر تربیت
 یونانیان است که از اهل این ملک کرده اند و در از منته که بخشی از این ملک را گرفته بودند
 ششصد سال قبل از تاریخ عیسوی - اما از آثار و علامات قدیم رود میان عمارت عالی مقامان
 و معبد معنی بنیانی باقی مانده است که بی نهایت هر دو عجیب اند و معروف همه کس و هر جا

۱۳۰۱
تاریخ فرانس

و در بعضی از جاهای این ملک چیزی از آثار معابد و تپه با منظر می آید - پارچه زر نقبت در تمام
منقش پ نقوش و صور و اشکال مختلفه بسیار عجیبی که خیلی دیدنش مفید است و مسجد جامع بگوش
در ضلع نارمندی تا کنون موجود است از باقی ماند های از مشه او اسط تاریخ عیسوی که تمام
کیفیات و واقعات جنگ است بایننگه در آن نقش است که می گویند مستبیلده زحبه
ولیم کانکر را از بافته یا نقش کرده - اهل فرانس اگر چه بلفغی عظم میکنند که ماده آن زمین است
درینا نچه قبل از این اشاره شد) مگر احتمال کلی می رود که نژاد این قوم اغلب به سلت های قلم
منتهی شود که در میان آنها را مسکون ساختند در زمین گال در عهد جولیس سیز و این فرقه که
اقتیم پیشتر از نه قسمت از ده قسمت خلقیت این ملک است - ضلع آلیس و لارین غالباً
مسکون است از قوم جرمن و نیز در حدود ملک بجم خلق بسیاری هستند از قوم فلندینگ
و با شدگان برهستان نیز از ذات سلت اند و هنوز بلفغی متکلمند قریب بلغت ایل و لری
که در طرف غربی انگلند سکونت دارند - در طرف جنوب و مغرب فرانس بسیاری از جنس خلق
متعلق اند برشته ایل اسپین و یهود در همه شهرهای بزرگ این ملک یافت میشود در کار سلیکی خلق
و لغت آن هر دو ای تالی است - بحسب طبیعت و مزاج مردم فرانس زنده دل متواضع اند
و بسیار مطالب آمد و شد با یکدیگر و اجتماع در مجامع و نشاط و انبساط دارند پس اصرار و ابرام در اینگونه
امور دارند که خلاف رسم و عادت سایر خلق عالم است به پیشتر می و تا به تندی معروف شده اند
و بخوبتریش بی نهایتی که برخلاف رسم آدمیت در بر گرفته نموده اند بخصوص در فتنه سال ۱۷۸۹
یکتایع سیاسی از بد نامی بر ناصیه حال و صفحه دفتر اعمال خود نهاده اند -

جغرافیای بحیریم

ملک بحیریم جغرافیا

بحیریم جنوب ملک بالند است و جوانب شمال و مشرق آن بهر حیثیت چندین شباهت به ملک بالند دارد که ممکن است در جغرافیا بطور واقع قسمتی از آن خاک شمرده نمیکند را - طول آن ۹۰ میل است و عرضش ۱۱۵ میل و عرضش ۱۳۰ میل مربع و این ملک را فقط ۴۰ میل حاصل است در طرف غربی و در طرف مشرق و جنوب آن کشیده شده است و شیخی مسطح کرم نزرع و رطوبت آن در این وقت محنت و مشقت خلق این زمین را محسوس کرده است چنانچه نباتات بسیار خوبه از آن حاصل می آید - در جانب شمال و مشرق قطعه زمینی است بقدر ۴۰ میل مربع تمام که بر روی رود افتاده است که در جانب مشرق و مشرق تقعه زمینی است مشتمل بر اطلال و دراضی مرتفعه که بیش از ۲۰۰ فوت رفعت آن است از سطح دریا مگر کوه واقعی در این ملک نیست -

انهار - ملک بحیریم همیشه آب بسیار محسوس است و آبش با قواط است چنانکه یکی از انهار آن انوارت است که بهشتا و میل طول دارد و ۵۵ میل از آن قابل مسافرت است - دیگری سنگینر است که ۱۰۰ میل طول آن است و شیرین جسته آن قابل مسافرت است که پیش است که آن هم ۱۰۰ میل طول دارد و مسافرت در آن بسیار خطرناک است -

هوا - مطلقا هوای بحیریم خوش است و معتدل بجز آنکه در طرف شمال و مغرب آن بجز مرطوب است

جزایای بلجیم

اقل اعتدال بود شهر پرزل که پای تخت ملک است در تمام ایام سال قریب ۵۰ درجه است
و گاه گاهی بجم با تفاق تابستان بغایت گرم و زمستان بغایت سردی شود و بارانی که در
تمام سال می بارود و این ملک ۲۶ اینچ است -

خاک بلجیم مطلقاً شستل است از کل ورن بسیار حاصل خیز است و یک حصه عظیم آن بخت
و شهرندی خلقش بغایت حاصل خیز و معمول شده است - قریب نیمی از زمین این ملک سابق زراعت است
و پنج یک آن چراگاه است و پنج یک آن جنگل است اندک قسمتی دیگر که باقی مانده در سطح و ناقابل است -

حاصل حیوانات خانگی این ملک از آن قبیل است که در حد و مغرب یورپ عموم دارند و لیکن
اسب و الاشی در این ملک یافت میشود که مینامندش فلیمیش دریمی که بسیار عجیب است و فایده منزه
قیمتی حیوانات وحشی این ملک خرس است و گرگ و قوسی از آن بود که مینامندش بگن - نباتات نمک

جناس خوراک مانند گندم و جو و غیره است و انگور و زغن چراغ و لاپ و قندر و چیزیکه مینامند
چیکاربی و چوب عمارت و پوست و خشت و فلکس و تنباکو - معدنیات این ملک بکثرت است و
اینهاست - زغال و آهن و مس و قلع و سنگ لوح و سنگ عمارت و غیره و زغال بلجیم بهترین و

قیمت ارترین زغال هر یکی است چشمه های معدنی بسیار معروف هم در این ملک یافت میشود
خلقیات و زبان بلجیم نسبت بسعت زمینی که دارد بیش از هر یکی در تمام یورپ خلقت
دارد و چنانچه قبل از این تقسیم که وسعت این زمین ۱۱۴۱۲ میل مربع است در این اندک وسعت

زمین مسکون است ۵۰۸۷۱۰۵ خلقت که ۴۵۱ نفر در هر میل مربع تقسیم و بخش میشود - ازین
خلقت صدی ۵ نفر از ذات فلینک و بقیه ولوکن است و فرنج و بقدر ۳۹۰۰۰ هم جزین وارد

جزایای مجسم

وزبان مردم این ملک آنچه در بار حکومت و نوشتجات و کتب استعمال دارد و عموم خلق آن را
زبان فرنج است مگر فلکیک از اوقات تیوتان اند و بعضی مستکلم اند قریب ببلغت برمنی و ولون با
بعضی مستکلم اند که فرنج است مخرج بلغت سلیت و جرمن -

مشاغل - عمده مشغل این مجسم زراعت است در طرف مغرب و بخصوص زراعت قنکس
و پاپ و قند و خیره - مینو کچوری مجسم عمده ساختن شکر است از چقدر و ساختن آهن است آلات
آتشخانه و مینویری و قالیچه و قماش و شمشیر و پارچه های بشمین -

معدنیات این ملک منجم است بزغال آهن - تجارت بنیک بسیار است و عمده مال التجاره
پارچه های ابریشمین است و فلکس کرده حیوانات از قبیل گاو و گوسفند و زغال - و مال التجاره
بشمیر است و قماش و پنبه و شمشیر و ابریشمین -

طرق و شوارع - طرق و شوارع ملک مجسم بسیار خوب و وسیع است در بلوی آن بالنسبه بوضع
زمینی که دارد چندان کثرت و افراط است که در هیچ یکی از ممالک یورپ آن مقدار بلوی نیست
بقدر ۴۰۰ میل مسافت نهر دارد که در آن مسافت ۳۰۰ میل نهر بریده اند در نهایت قیاس و خوبی -

تربیت و تدریس - در ملک مجسم تحصیل علوم مجبوری نیست لهذا اکثر و اغلب مردمش بی علم و
بی تربیت اند مگر در این سنوات اخیر بی نهایت علم و دانش ترقی کرده و حکومت را در امر تربیت و علم
و تعلیم تربیت تدریس و تشویق و حکومت و خلق هر دو بحال به بهبود و تبدیل نم آید در امر تربیت

و پادشاه میکنند و تدریس هر چه میسر گنایک است مگر امر تدریس اختیاری بلور آزادی است برای
هر فرقه از فرق و بقدر ... این است نسبت نیز در این ملک است محدودی بود و هم دارد -

تاریخ پنجاب

حکومت بلجیم از آن قبیل است که میانش اینچنین تاثیراتی یعنی سلطنت محدود و گروشی است
 ابراع قواعد و قوانین و اگر است پادشاه و دو مجلس که یکی از آن مشتمل است بر ۱۱۹ اشراف که کلای
 خلق اند و دیگری مشتمل است بر ۵۵ جزیره عظمای ملک و وزرای پادشاه اند و پادشاه همه شایان
 جاری میدارد تمام قوانین ملک خود را و اجزای هر دو مجلس خلق میگزینند و قانون در این ملک
 این ملک قریب بقانون عدالت فرانس است یعنی چندان فرق ندارد و از همان هم با خود است
 لشکر این ملک با نسبت پوستی که دارد و پیشتر است و آن ۹۰۰۰۰۰ مرد است و پای تخت این ملک
 شهر بروکسل است با ۳۰۰۰۰۰ نفر خلقت.

تاریخ

برشم موزخین یا شنگان قدیم این ملک از قوم سلت بوده اند که در دیگر موسوم بلجی از ملک
 جزیری برسم کلان یعنی نقل مکان آمده در جای ایشان حکامت گزیدند و آنها را بجای دیگر اند
 سپس در میان آمده شینگ استخر کردند و در تیره ایشان این ملک معروف بود بشمال یا سمتی از
 ملک گال پس از آن تیره این ملک در شمال بود از ممالک فرانک و لیکن در زمان جانشینان
 شلمین از ممالک مذکور خارج شد و گاهی تابع در قبضه پادشاهی بود و گاهی دیگر در قبضه
 امرا و روسا که مستقل بودند مانند اسرل های قلندرز و کونت های پنیالنت
 و ویوک های لارینن که در تواریخ از ممالک معروف و مشهور اند. باجمه غیر از ممالک
 تاریخ که همواره تابع پیشاپ یا یعنی ملای خود بودند و به همین تیره ماندند تا قریب باواخر سال

ماضی (۱۷۰۰) سایر ضلع ایما ملک فته زفته در افتا و قبضه و یوک های برگشتنی بوسطه
 مزاجیت و مناسکت هیری رئیس برگندی و امپراتور کستیمیلین در صد سال پانزدهم
 همه این ممالک و ریاستها بخاندان استریا مقرر شد و با بعضی از حد و ملک روح
 حصه شد از ممالک محروسه چرلس ۵ نبیره مکسیمیلیان پسر فیلیپ ۲ پادشاه اسپین مگر
 ریاستهای بلجیم مع شدند با دولت پوج و علم مخالفت و خصومت و کشتی برافراشته و مقابل
 این پادشاه ظالم متعصب و لیکن شاهزاده (یا پادشاه) پتر ما ایشانرا مغلوب ساخت و
 ناچار کرد که بهمان دتیره در زنجیر تقید اسپین بماند مشروط بشرا ای چندی و خواه و مطیع و مخصوص
 آزادی و نواید قدیم شان - در او اسط صد سال بعد هم مغلوب و شکر لوالیس ۱۴ فرانس شدند
 و لیکن پس از آن عهدنامه در میان استریا و فرانس دو بدل شد و این ریاستهای بلجیم هم واگذا
 گشت بار و گیر بملک استریا موسوم باین اسم "ندیراند متعلقه استریا" - باز در او آخر
 صد سال جدید هم لشکر فرانس با این ملک حمله آورد و شامل شد ملک فرانس را مگر در صلح ۱۸۱۴
 مع گشت با ملک با اندر متعلق شد بملک مذکور و بالاخره در سال ۱۸۳۰ بلجیم مجدداً
 جدا شد و آنگاه با مضای دولت عظیمه یورپ لیتیکند شاهزاده سنگسین گبورگ
 پادشاهی آن گزیده شد -

آمار و علامات رومیان در ملک بلجیم چیزی نیست که قابل ذکر باشد و از آثار و
 علامات زمن او اسط آنچه هست عماراتی است که متعلق بوده است بابل شرع و یا بگوست
 زیرا که در آن از مننه اکثر دولت و زریورپ در این حد و صرف میشده -

ندز لند زیبالند

جنسراقیا

ندز لند زیبالند هر دو یک معنی دارد و هر دو معنی زمین پست است و این ملک از ان باین نامها
 میخوانند که نشیب پست است و ندز لند ز اکثر استعمال میشود و بجهت سراسر این ملک بالند اطلاق
 میشود و بجهت قسمتهای شمال و جنوب این ملک که بالنسبه پست تر اند و لفظ بالند بیشتر استعمال میشود و بجهت
 تمام این ملک چه در گفتگو و چه در نوشتهجات - با جمله بالند و بسیاری از حیثیات و کیفیات
 یکی از جمله ممالک بسیار عجیبه جهان است - طول آن ۱۹۶ میل است و عرض ۱۰۹ میل
 و مساحتش ۲۰۵۲۷ میل مربع - سواحل آن همه جا پست است و بهین جهت در بعضی جاها
 شعب دریا و دیده است در شکم زمین آن - در بعضی از جاها سواحل آن نیز واقع شده است
 اتلاالی از بل متحرک که بوزیدن باد آنگیخته میشود و از جانی بجائی نقل مکان میکند و روی هم
 اتلال مذکوره بقدر ۱۴۰۰۰ جریب مربع زمین این ملک را فرا گرفته و بسیاری از این اتلال
 از ۴۰ الی ۵۰ فوت ارتفاع دارد ولی بکجهتهای عملی این اتلال را از حرکت باز داشته و
 باز میدارند همه ساله - و عقدا یا اجتماع از جزایر متعدد و واقع است در جانب شمال و مغرب
 و جنوب و مغرب ملک بالند که اولین آنها یعنی آنکه در شمال واقع است بنامید که وقتی از
 اوقات همه بیکدیگر وصل بوده و قطعه بوده است از خود زمین بالند عبارت از جزیره نمود

جغرافیای بالند

و زمین ملک اتصال داشته اما دو زمین آنها را چنین تصور نموده اند که وقتی از آن وقت که نخست
 زمین بوده مگر طغیانی و فزایش آب و دمای زمین و غیره که در اینجا دلالت بر بعضی از جابجایی
 آن زمین را معنور داشته - یکی از این جزایر مذکوره را نام ^{رگ} و ^{سپهر} است که امیل طول و
 ۱۰ امیل عرض و ... عم خلقتیت دارد و بواسطه آنکه از طغیانی آب محفوظ باشد اطراف آنرا
 خاک ریز کرده اند چنانچه گویا گرداگرد آن تلی کشیده است - صفحه این ملک مطلقاً مسطح است
 جز آنکه در بعضی از جایهای آن اندک ارتفاعی دارد و در اکثر جایها از سطح دریا هم پست است
 و این را رضی پست را ابتدا آب فرا گرفته و پشت گرتندگی گل و چیزهای دیگر گرداگرد آنها
 گرفته آب شان نیز خشک شد و اکنون حاصل خیرترین قطعات این ملک استند و درین
 ملک نکهه است و نه سنگلاخ و نه هم جنگل بسیار - بالندی از جمله مالکی است در روی
 زمین که آبش بکثرت و افراط است و اکثر آب های آن از طریق انهار و جداولی که آنها را
 دستی بریده اند داخل میشود بریای شمالی ولی این جداول مذکوره را بدستی ساخته اند که آنرا
 که در هر جایی جمع میشود داخل آنها میگرد و حالگونی که به هزارها آسیاب در میکند و متحرک میدارند
 این هم فایده ملک است - آنگیر یا دریاچه عظیمی که در این ملک بود آنگیر بهرلم بود که سیصد
 سال قبل از این بقطه آب دریا فزایش نموده زمین آنرا فرا گرفت و آنگیر شد و این آنگیر
 سه صد میل گرداگرد داشت مگر آب آنرا کشیدند و خشک نموده منزه عیش ساختند و بهترین تیره
 نوشته اند که آنگیر را کوچک بزرگ و ملک بالند خشک نمودند از سال ۱۴۰۰ عیسوی
 و از آن زمان تا کنون بقدر ۶۲۰۶۲ جریب مربع یا ۳۵۰ میل مربع بر زمین ملک

جغرافیای بالند

افزوده اند. آبگیر دیگری هست که نتوانندش پیش نباشد ابتدا زمین بود مگر در سال ۱۹۲۱
۱۹۲۱ طغیانی آب آنرا گرفته آبگیری ساخت ۲۴ مایه قریه را با انفس فرود پرو -

هوا - هوای این ملک مرطوب است و اکثر اوقات روی زمین را از برف فرا گرفته و اقل آنجا
هوای این ملک بسیار تفاوت دارد با انگلند و حال آنکه هر دو در یک خط واقع اند و نیز بسیار

قریب اند یکدیگر مع ذلک تابستان بالند گرم تر است از انگلند و زمستانش نیز سردتر است
و بختی سرد میشود که رودی که بریده اند از شهر آقمتیروم به بلند رسد ماه در سال عبور

و مسافت در آن بازمی آید زیرا که سرسبز آنرا جگ گرفته است و همچنین میگردانند و جداول
نیز غالباً همه یخ بسته است و در موسم زمستان - باد های سختی که از جانب غرب می وزد در این ملک

غالباً سخت و خطرناک است در تمام سال ۲۶ اینج بارش میبارد و مدت ایام بارش ۱۶۰ روز است -
خاک - در خوبی و بدی یا پرقوتی و کم قوتی زمین بالند دو وجه مساوی است آن نمی از آن

که خوب است واقع شده است در وسط ملک از مشرق بغرب و آن نمی که از آن بد است
واقع است در جانب جنوب و جنوب و مشرق و اضلاعی که در طرف شمال واقع اند همه

ریگستاند و بی حاصل -

حاصل - در ملک بالند حیوان بسیار کم است مگر موش و خرگوش و از این قبیل جانوران
بکثرت است و در آنها را و جداول نخوک میجفتی است که در آن ملک خوراکی تعلق است و تعلق

هم در این ملک حیاب است و در کوچ و بازار جوچه جوچه راه میروند بدون آنکه کسی متعرض آنها شود
و آنها را آزار کند و شترای سختی هم مقرر است کسی را که آزار کند یکی از این طایر را زیر که مردم بالند

۱۶۱
جغرافیای آلمان

یکنوع مخرمی می نهند باین طایر از روی تجمعات بی بهمان تمسک و در ملک حرمت می نهند بخروج سفید و بعضی
چیزهای دیگر و یک جز ناموجهی هم از برای هر یک بیان میکنند چه قسمی از مایه در ملک آلمان بسیار است در واقع گشته
عظیم و دولت آمدنی آن از مایه است. نباتات این ملک مثل است از بعضی از نباتات و اشجاری که از انهارا
میگیرند و انگور و چند رویشتر و دباب و فلکس و همپ و تنباکو و بعضی از گلها و هر گونه خوبی که در ممالک وسط
یورپ یافت میشود. معدنیات این ملک منحصرست سخاکی که امان ظروف آلات میسازند و آهن و نیز خاکی که در
اصفهان گل شیرازش میگویند که زمان سریشویند بان همچنین پارچه لباس زنان میسوزند و یکی دو چیز بسیار کف
و قیمت دیگر هم یافت میشود. خلقیت و زبان. خلقیت این ملک در سال ۱۸۷۲ تعداد شده بود
۳۶۷۴۶۰۴ نفوس بود که مشتمل بود از وچ و فرسیان و فلیمنگ و زبان مردم خلق وچ است
قوم فرسیان بخت خاص خود نگذارد. مشاغل عمده ملک آلمان تجارت است نگاه و بقدرت و رعیت
و نگاهداری حیوانات کارهای دست کاری (مینوچری) و مایه گیری. اما تجارت ملک آلمان چندان بود
قدیم الایام که تمام دولت و عظمت ملک ترقی خلق آن از تجارت بود و هست بویزه در بین صد سال شانزدهم
و هفدهم و نهم و دهم تمام تجارت ملک یورپ در کف آلمان بود چون طوائف دیگر ترقی کردند و
مال التجاره خارجه خود را در جهازات خود حمل و نقل کردند و مال التجاره داخله خود را در جهازات خود آوردند و تجارت
ملک آلمان تنزل نمود و از جریان بازاریت او و جنگهایی هم که بعد از آن واقع گشت نقصان با نوبی ملک
آلمان وار و آمد مگر از سال ۱۸۱۱ که صلح عظیم شد فیما بین دول یورپ باز تجارت آلمان روی افزایش و ترقی
و اکنون در دولت ثروت ثانی انگلند است. تجارت داخله ملک آلمان بجز منی بسیار است و عمده چوست
که در رودین می آید و آن تجارت مال التجاره خارجه است مثل است عمده اناشیانی که درست میشود

مشترک را می آنگینند

۱۶۲
جغرافیای بالند

مانند پیر و کره و امثال ذلک و ریخته کلبا و ماهی خشک و پارچه های ابریشمین و غیره و شرب
چین و مال التجاره و اخله اش اشیائی است که از امر کجایم عمل میشود و قماش و جوب و شرب
و لشم و از آن جمله هر ساله بقدر ۲ میلیون پوند کرده از مالند فقط بملک انگلند عمل میشود. باجمه
غیر از اینها هم مال التجاره و اخله و خارجه ملک بالند بسیار است.

طرق و شوارع - نهرهای بریده معبر عام و شاهراه عظیم و اهلی است در ملک بالند بجهت
تجارت و همچنین در باب و ایاب خلق بهر کجائی از آن ملک و این انهار را بعضی بریده و
بقسمی کشیده اند که بهر شهر و قصبه و قریه عبور میکنند از هر جانی حتی بهر منترائی رسانیده اند
و در آنها قسمی از کشتی های خور و انداخته اند که در اوقات خاصی بجهت حمل و نقل مسافرین
و بار مقرر شده روانه می شوند و در آن قسمتی از این ملک که آن را خاص بالند یا بالند
خاص میخوانند از اینگونه انهار بیشمار است که اعظم و اطول آنها آن است که کشیده
شده است مابین شهر آستیر و هم و آلدز که ۵۰ میل طول آن است و ۱۲۵ فوت عرض
و ۲۲ فوت عمق آن که بخوبی دو کشتی خور و میتواند پهلو پهلو برود و بیاید. در موسم زمستان
این انهار غالباً بچ بسته و خلق و بات و قری زن و مرد با ظروف شیر و ماست و مثال
اینها بالای سر جوقه جوقه دوخته و بسته در غایت سرعت پشهر را میروند و می آیند.

بیش از ۴۰۰ میل بلوی دارد که متصل است از هر طرفی بشهرهای معظمه ملک. شاهراه های بالند بسیار
بهنا و در بعضی اند و بخوبی درست نگاهداری از آنها میشود و بجهت حرکت کار به کمال همواری و صفارند
و هر طرفی و شاری تا میلهها بخط استوار است میرود.

جغرافیای بالند

علم و تربیت - علم و تربیت در بالند پیش از هر ملکی از ممالک یورپ قراریش یافته است سوای
 ملک پرویشیا و بعضی از ریاستهای کوچک جرمنی و قواعد بسیار خوبی هم جاری است بجهت تربیت و
 هر صنعتی از اصناف خلق باندک مخارجی و تربیت خلق را و درجه است یکی درجه ادنی و دیگری درجه
 اعلی و حکومت را کمال توجه است در امور درجه اول و تربیت و آموختن اطفال فقرا و این بوجه
 قانونی است که حکومت جاری کرد در سال ۱۸۵۷ بجهت تربیت اطفال ضعیف و اکنون تخمین
 شده است که در میان دبا قین و صحرائشینان فقط یک ربع از پسران و یک ثلث از دختران
 قدرت بخواندن و نوشتن ندارند -

مذهب - بوجه قانونی که در ملک جاری است پیروان هر طریقه و مذہبی بکلی آزاداند در
 عقاید پیروی دین و مذہب خود و تمام مساوی اند کسی را با دیگری کاری نیست مگر با پادشاه و
 اغلب خلق پرستند و بطریقه کلونین عمل میکنند که آن را میخوانند کلونیزم و بقیه حسیلق
 رسن کتلیک اند و لوتری و ارمنی و یهود و دیگر مذہب و معاشش علمای هر فرقه از حکومت ملک میرسد -
 شهرهای عظیمه این ملک یکی استروم است که عظیم همه شهرهای ملک است که ۶۷۷۷۶۵ خلقتیت دارد
 و یکی از بلاد درجه اول است و تجارت و بنای این شهر بالای ۹۰ جزیره است که بیکدیگر اتصال
 یافته است با واسطه ۳۳ پل و ۱۰۰۰ نفس در این شهر فقط بالماس تراشی مشغول اند شهر دیگر
 را تر و هم است که بیش از ۱۲۲۰۰۰ خلقتیت دارد - شهر دیگر چیچ است که پای تخت ملک
 در آن فقط ۹۲۷۸۵ خلقتیت است و خوبصورت ترین بلاد ملک بالند است و عمارات بسیار
 عالیه دارد و محل نشست مجلس حکومت است -

حکومت هالند پادشاهی موروثی محدود است بموجب اصول و قوانین - در هر
ابداع و جریان قواعد ملکی پادشاه با مجلس شورای که مینامندش استیثیس جنرال مشترک اند
مجلس مذکور مشتمل است از دو صنف یکی اعظم و اراکین ملک که گزین و اختیار کردن آنها با پادشاه است
و دیگری وکلای خلق که گزین آنها با اختیار اصناف خاصی از اعظم و امرای بلا و خلقیت شهرها و
قری است و در هر جایی که احقاق و ارد و والیست باین ملک است نیز به همین و تیره مجلس جداگانه است
که همین سه اصناف خلق باید وکلای خود و اجزای مجلس حکومت را اختیار کنند.

تاریخ

در ازمت قدیمه قسمت جنوبی هالند حصه بود از ملک گال قسمت شمالی آن حصه بود از ملک مجری
باشندگان قسمت اول غالباً پنج بودند و باشندگان قسمت دوم غالباً قرلیان - در میان این
ملک استخوانوزند و نوشته اند که کلا و لیس در سس قریب بایست تاریخ عیسوی دیواری کشید
در جانب دریا که محفوظ وار و ملک مذکور از حملات حمله آوران دریائی یعنی کسانی که از طرف بحر حمله بان
آزند - و صد سال دوم عیسوی طایفه سکسن تاخت آوردند و در صد سال هشتم فرنگیان حمله آوردند
که از آن پس خبری کشت از ممالک مقبوضه شمرلین - از صد سال و هفتم تا صد سال چهارم و هفتم عیسوی
این ملک منقسم بود در میان روسا و امرایا بشا بنهرا و گان ضعیف متحد می و در صد سال پانزدهم
همه این ریاستها یکی و متحد شدند و در عهد سلطنت خاندان برگندی و از آن خاندان
در گذشته در سال ۱۴۶۷ بخاندان استر یا منتقل شد - در صد سال شانزدهم هالند متحد شد

تاریخ استیثیس جنرال

تاریخ استیثیس جنرال

با ملک اسپین در جلوس و تخت نشینی چیرلس ۵۵ که پادشاه اسپین بود و امپراتور را امپراطور مجری
 مگر این اتحاد وقت و بلائی بود ملک بلن را زیرا که قوم کوچ که باشندگان این ملک هستند از قدیم الایام
 بسیار حقوق داشتند که ملاحظه میشد یعنی هر قومی که باین ملک دست می یافت حقوق ایشانرا ملاحظه میکرد
 و ایشان خوش بودند و دیگر آنکه اکثر ایشان پیر و بزرگان و شریفان و اعیان جماعتی را که موجب
 مبدع رفتار میشدند مگر قلیپ ۲ پادشاه اسپین از امضا و شستن و بحال خود گذشتن حقوق
 ایشان مضايقه نمود و چشم پوشی کرد و ندمت ایشانرا کرده بیشتر و چنانچه لشکر گران فرستاد که هم حقوق
 آنها را احتصار و انحصار دهد و هم مذمت شان را پایمال سازد لهذا آنها هم علی روس الا شهبان
 علم مخالفت برداشتند و آغاز سرکشی کردند پس از تنازع و نزاع و خورد بسیاری قایق آمدند و خود را
 از زنجیر قید و بستگی اسپین خلاصی در باقی بخشیدند - در سال ۱۵۷۹ هفت ریاست بلن
 از یکدیگر جدا بود ولی با شرايط چندی متحد و بیکدیگر بسته شدند در نهایت مغربوطی و در اوایل صد سال
 هفدهم اسپین هم استقلال و آزادی ایشان را قبول نمود و محضی داشت تا پنجاه سال بعد از آن
 مقدمه ملک بلن بسیار خوب بود و تجارت آن باقصی الغایت علو و بلندی رسید که هیچ یک
 از ممالک یورپ بآن پایه نبود در آن زمان بعضی جاها در زمینهای خوب بود و دولت را هم در
 امریکا و هندوستان مقبوض ساخت و حملات و تعدی لوالیس ۱۴ فرانس را هم بخوبی مقابله نمود
 و با انگلند نیز همیشه و مخالفت و منازعت کرد بجهت فرمانفرمائی در دریا و یکی شد از دول قوی و درجه
 اول مملکت یورپ - در بین صد سال هجدهم اقتدار و استیلا می بلن در رفته رفته تنزل نمود و در
 بنشین نهاد و از هیچ رگدزمی چپندان پهلونخور و و صدمه ندید که از افزایش و ترقی تجارت

۱۶۶
تاریخ بالند

در سایر ممالک یورپ - در اوایل سال ۱۷۹۵ که آغاز روالیوشن بود ملک مذکور نام
دیگری بر خود قرار داد و در سال ۱۸۰۶ داخل ممالک مقبوضه نیلین اول شد که به برادر
خود لوایس واگذار کرد و چون در تحت ممالک فرانس درآمد از تمام کلنی های خود یعنی
زمینهای که در دریا های شرقیه داشت محروم ماند و لیکن به حکامی که صلح واقع شد در میان
دولتهای یورپ در سال ۱۸۱۴ کلنی های خود را باز پس یافت و مع گشت با ملک بلجیم
موسوم به ندرلندز در تحت پادشاهی خاندان هارین که ابتدا آزادی و استقلال خود را
از ان خاندان داشت مگر این اتحاد اخیر گاهی بخیر و خوشی نگذشت بعلمت آنکه قوم درج
و این بلجیم مختلف از یکدیگر بودند هم در زبان و هم در مذہب و هم در عموم حالات و خصال
و بنا بر این همان اتفاق و حکمتی که در ماه جنوری سال ۱۸۳۰ در ملک فرانس شد که چرس را
را از تحت و تلج محروم و معزول داشت همان اتفاق و حکمت در ماه اگست همان سال
مبشت ماه بعد از ان در ملک بلجیم رخ داد که خلق مخالفت در زیدند با پادشاهی که بالفعل برایشان
فرمانفرما بود و لیکن انجام آن این بود که یک حصه از لگنر ممبرگ که متعلق به بلجیم بود واگذار شد
به بالند - با جمله ملک بالند در این زمان چندان زمین ندارد مگر در ان افتراق چیزی از تهر
خارج اش از کف نشد و هر چند آن مابصر و نسبت بزمان سابق بسیار کم شده مع ملک
روی هم رفته ۶۶۶۷۵۹ میل مربع زمین دارد و ۲۴۳۸۶۹۹۹ خلقیت و این بلجات و
کلنی ۲۳ هستند در عدد که از ان جمله جاوه است که به تنهایی ۱۴ میلیون خلقیت دارد -
آثار و علامات قدیمه این ملک بسیار است و نه قابل اظهار و دیدار و تذکار فقط یک صحیح

تاریخ الهند

خرابیه از عمارات رومیان در و هند رو درین باقی مانده است و نیز برجی بر بالای زمین
مرتعی ساخته اند که معروف است موتس آن ^{بهنگیست} بود شخص اولی که قوم سکس را
سرور گشته بهلک انگلند تاخت آورد - و از علامات از منتهی او اسط عیسوی کلیسای آن شرح
باقی مانده است با یک برج بسیار رفیعی -

ساکنان این ملک غالباً از دو اصل و ذات اندکی باشند گمان بالند که ایشان را ^{منزله} پنج قوم
که بیشتر خلقیت ملک از این ذات اند و دیگری فریسان که فرا گرفته اند اضلاع و حدود
فریتر کنند و بعضی از جزایر حول و حوش آنرا - لغت اهل این ملک لغت پوج است که نشانه است
مشفق از زبان جرمن و لیکن عالی ناس بلغت انگریزی و فرنج هم بخوبی تکلم میکنند و لغت فیلسان
بمشتز نزدیک بزبان انگلیش است از سایر زبان ها - (در خیر اقیانوس اشاره باین فقرات شده است)
مردم ملک بالند بسیار زحمت کش اند و بسیار پاک و پاکیزه و عادات این قوم همه بر وفق نظم و
سنق و تربیت و تزئین است و هر چند گاه گاهی امساک را با قصی لغایه میرسانند و ملک
رسم گدائی در میان این قوم بسیار کم است سسته مزاج و طبیعت بلغمی مردم این ملک از اثر
هوای مرطوب ملک شان است و جرات شان غالباً از روی غیرت و تهور نیست و بجهت
عظمت استعمال نمی شود بلکه محض آشوب و فتنه انگیزی است و محن شان حرکت و رحمت بیجا است
نه آنکه مفید فایده باشد - با بجمله روی هم رفته نه ترقی می کنند و نه تنزل می نمایند و در
زمان بخصوصه چندان طالب ترقی هم نیستند -

ملک سوئزرلند

جغرافیا

سوئزرلند ملکی است که بحسب کثرت جبال و قعر و اتلال و رفعت زمین هیچ ملکی در تمام یورپ با آن نیست فقط ملکی است که در تمام یورپ در وسط خاک واقع است یعنی در هیچ طرفی بدریا اتصال ندارد و زمینی است که ارتفاع قتل العیش در آن واقع شده و ازان هم زمین شعب جبال مذکور کشته میشود و بلک جرمنی و فرانس و استریا و ایتالی -

فصاحت - ملک سوئزرلند ۱۵۲۳۳ میل مربع است غایت طولش از شرق بغرب ۲۲۰ میل و غایت عرضش از شمال بجنوب ۱۴۰ میل است و محدودست در طرف شمال بملک جرمنی و در طرف مشرق با استریا و در جنوب با ایتالیا و در مغرب بفرانس -

سطح - سوئزرلند همه کوهستان است جز در طرف شمال و شمال و مغرب و هیچ زمینی در آن نیست زمین سوئزرلند نیست در تمام مملکت یورپ و نیز هیچ زمینی باین اختلاف حالت و کیفیت نیست که این ملک چنانچه جبال رفیع و بیشاری از هر طرف در آن کشیده که از زمان خلق عالم تا کنون برت پوشیده دارد و روس آنها را و همچنین جالبانی دارد که مانند بجا و نهار روی زمین را در گرفته سراسر پانز و شصت و نیز و شتهای وسیع و اتلال عظیمه دارد که بر فراز همه تاک چادر کشیده و صحرا بانی دارد همه سرسبز و خرم و جنگلهای پر آفت و آبگیر بانی دارد و لایم و دیگر کت

ملک سوئزرلند

جغرافیای اسوتیزرلند

و فرحناک و انخار و جداولی دارد و مغزنده و سهناک و زور آور - اما جبال این ملک را اکثر تپه
 بطور تفصیل بیان کنیم اطالقی خواهد یافت زیرا که در این ملک جبال و قتل متعده وی هست
 همه متعلق و خیزی اند از جبال الپس تقریباً ده سلسله از جبال مذکوره در این ملک واقع اند که
 هر یک مشتمل بر چندین شعب وسیع و قتل رفیع است که هر یک را جداگانه نامی است این تپه
 آنچه را بنده شماره کرده ام در جغرافیا ۸۰ قله است و ارتفاع آنها قله کوه رُسا است که ۱۵۲۱۷
 فوت رفیع است و اقل ارتفاع این قتل ۵۵۱۷ فوت است که قله کوه جورا است و اکثر
 و اغلب این قتل از ... فوت الی ... فوت رفعت دارند

کاشییر - بصحت پیوسته که در روس و جوانب و اراضی مابین جبال الپس کم از ۱۷۰۰ میل
 مقام نشست و بود برف و یخ نیست و بقدر ۱۱۰۰ مقام از این قبیل مقامات است
 بیشترین آنها در ملک اسوتیزرلند واقع است چنانچه ده مقام عمده آن را در جغرافیا نوشته است
 یکی از جغرافیا نویسان که روی هم رفته ۱۴۲۴۹۲ زرع طول دارند مگر اکنون بر بنده معلوم
 نیست که این مقدار چند میل مربع می شود ولی دیگری نوشته که تمام این مقامات و
 دشتهای یخ و برف روی هم رفته ... ۱۰۰ میل مربع زمین را فرا گرفته اند و در اینجا نگاه
 گاهی چندان برف می بارد که مسافران در زیر برف باک می شوند بلکه قری و دوبات در
 برف پنهان میشود -

و شست - دشت اسوتیزرلند شروع میشود از ابگیر جنوباً تا ابگیر کانتشس ۳۵ میل
 مسافت دارد و غایت پهنا می آن ۵۰ میل است و در اکثر جاها آب فرا میگیرد و آن را مگر در

کاشییر - بصحت پیوسته که در روس و جوانب و اراضی مابین جبال الپس کم از ۱۷۰۰ میل
 مقام نشست و بود برف و یخ نیست و بقدر ۱۱۰۰ مقام از این قبیل مقامات است
 بیشترین آنها در ملک اسوتیزرلند واقع است چنانچه ده مقام عمده آن را در جغرافیا نوشته است

جغرافیای اسوتیزرلند .

جانا اتلال هم دارو که بیش از ۱۳۰ فوت مرتفع انداز سطح دریا -

انتهار - این جبالی که ذکر کردیم مناسبتی هستند از رودهای عظیمی که در یورپ اند مانند

رهرین و ژرن و این وغیره - رود رین که به چشمه واقعی آن کوه سفید گشود

واقع است در وسط اسوتیزرلند و ایتالیا و در ملک اسوتیزرلند ۲۵۰ جوی بان می رود

و داخل می شود ملک جرمنی را ۶۸۰۰ فوت نشیب تراز به چشمه اش - شعبه عظیمی که این

رود داخل ملک اسوتیزرلند میشود اعتر است که همان یک رشته قابل مسافرت

گشیتهاست در این ملک و بس و اگر چه ۱۷۰ میل مسافت آن هست ولی بر بنده معلوم

نشده است که چند میل ازان قابل مسافرت است -

آبگیرهای ملک اسوتیزرلند در خوب صورتی و فرخناکی در تمام یورپ منحصر اند (سوا)

ملک سویدن همچنین در وسعت و کثرت و در اکثر این آبگیرها مسافت میشود با وساطت

رودانی که با آنها اتصال دارند - عمده آبگیرهای این ملک اینها است - (۱) گاشننس که

۴۰۰ میل طولی است و ۱۰ میل عرض و ۹۶۴ فوت عمیق و ۱۲۰۰ فوت از سطح دریا مرتفع است

و ۱۱۳۰ میل مربع وسعت آن است و رود رین به آن ملحق میشود - (۲) زریج یا (ژرشین)

که مشهور است در فرخناکی ۳۴۴ میل است در طول و ۲۰۰ میل است در عرض و ۶۴۰ فوت است

عمق آن و در کناره آن خلقت بسیار سکونت دارند و زراعت بسیار خوبی میشود و در

آن از سطح دریا ۱۳۴۴ فوت است - (۳) گومسرن که ۲۴۴ میل طولی است و از نیمه

در میل عرض و نهایت عمق آن ۱۱۴۰ فوت و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۳۶ فوت است و شهر

ملک جرمنی تعلق این لفظ

گشیتهاست

جغرافیای اسوتیزلند

گوشن برکناره غربی این آبگیر ایستاده - فرحناکی و قمری منظر چشم انداز این آبگیر خندان است که بعضی از بزرگان نویسندگان انگلیش بقایت تعریف کرده اند در نوشتجات خود - (۴) چنوا که بصورت و شکل مانند ماه چند شبه است و واقع است مابین اسوتیزلند و فرانس و جنوب ساحل شمالی این آبگیر ۵۶ میل طول دارد و ساحل جنوبی آن ۴۴ میل و وسط آن که غایت عرض آن واقع است ۱۲۰۰ فوت عمق دارد و ۱۲۳۰ فوت از دریا مرتفع است و این آبگیر نیز بسیار خوش منظر و فرحناک است -

چنوا - هوای اسوتیزلند بواسطه آنکه بی نهایت زمین آن از سطح دریا مرتفع است و جبال متعدده دارد که همه ببارف و یخ پوشیده بقایت سرد است و سردی آن بی نهایت سخت است حال آنکه هیچ زمینی در آن خطی که اسوتیزلند واقع است باین سردی نیست با وصف این بولش مختلف است چنانچه در مابین جبال آن گرمی بحال حدت است ولی در بعضی از جاها نسبت ببولش خوش است و زورت و انجیر و زیتون و تنباکورا بسیار مناسب است و این اشیاء پنجه میکنند و اقل اعتدال هوای این ملک عدد درجه از ملک انگلند کمتر است و بواسطه بدی هوا در بعضی از جاها بی این ملک ناخوشی های بسیار بد است مانند اینکه اکثر خلق را گلو و درم میکند -

حاصل - حیوانات رام و خانگی اسوتیزلند علاوه بر حیواناتی که در سایر ممالک یورپ است قاطر است و سگ مخصوصی که بسیار بسیار است بجهت راهنمائی مسافران در میان برف -

حیوانات جنگلی آن خرس سیاه و خرس بور رنگ است و گرگ و گریه جنگلی و چمپایس و بز کوهی و چند قسم حیوانات دیگر - طیور وحشی در این ملک کثرت است بویژه عقاب زرین و گرس و شتر آ

جغرافیای سوئزرلند

و باز و لاش خور و شاهین و یک دو قسم دیگر از طیور شکاری و خروس سیاه و کبک و غیره - ماهی در
 جداول و آبگیرهای حساب است و اقسام مختلف - نباتات مشتمل است بر حبوباتی که همه جایافت
 میشود و لیکن گندم بسیار زراعت نمی شود و میوه جات در بعضی از اضلاع با فراط میشود و بسیار خوب
 از آنجمله است انگور و انجیر و خربزه و انار و چغری و فندق و بادام و امثال ذلک و بعضی دیگر از
 میوه جاتی که منحصر است به ممالک یورپ و در این ممالک دیده نشده و چون بجهت عمارات و غیره
 مفراط است و گران بها و دیگر نبالها نیز هست مانند سرب و فلکس - معدنیات سوئزرلند معلوم
 شده و معروف است که بی حساب است و نقره و قلع و مس و سرب و زینک و امثال ذلک هم
 مگر تا کنون خوبی چنانچه باید شاید در آنجا کار نشده است - کوهپای نمک و چشمه های معدنی و سنگ
 عمارت و سنگ مرمر و چند قسم سنگ دیگر هم در این ملک با فراط است -

سوئزرلند در جنوبی است
 از آنجا که این ملک است

خلقیت - خلق سوئزرلند در سال ۱۸۷۰ تعداد شد ۲۶۹۱۳۷۷ نفس بود که صدی ۱۸۷۰
 جرمن بود و صدی ۲۴ فریچ و صدی ۶ ایل ایتالی و دیگر برگانگان - چون این ملک منقسم است
 به ۲۲ کنتان یعنی ضلع لهند ۱۶۱ کنتان از آن بلجنت جرمن منقسم اند و ۴۰ بلجنت فریچ و دو بزبان
 و پای تخت این ملک شهر برژن است و خلقیت آن ۳۶۰۰۰ نفس است -

مشاغل - بیشترین خلق این ملک اشتغال دارند با مورد و بهقنت مگر زراعت فقط در باوید
 میشود که مابین جبال واقع و بسیار است اما داده اند و لیکن پرورش حیوانات و ساختن اشیائی که
 حاصل میشود از شیر و ماست و امثال ذلک سرشته و اصل میل دولت این ملک است و پیر آن
 معروف و مطبوع تمام ممالک یورپ است - عمده حاصل زراعت این ملک انگور است و گندم

۱۶۳
 جغرافیای اسوتیزرلند

وجود فلکس و همپ - عمدتاً چیزهای دستکاری یعنی مینو فکچری در این ملک ساعت های محبوس و ساعت های میلی و جواهر آلات و صندوقچه های ساز و چیزهایی که بافته می شود از ابریشم و پنبه و کتان و تمام خلق این ملک مردوزن مشغول اند بافتن یعنی در کارهای بافتندگی هنگامیکه فراغت دارند کار صحرا و زراعت و ماست بندی - خلق شمال که مخلوط اند از جرمن و اسولیس عمده مشغول اند بافتندگی و خلق سایر جاها که مشغول اند از فرنج و اسولیس معروف و مشهور اند به کپاست و نیز سبک و مهارت در ساختن ساعت و اقسام سازها و جواهر آلات - تجارت اسوتیزرلند عمده با بریتانیا و جرمنی و استرلیا و ایالتی و عمده مال التجاره و اخلاش خوب است و نمک و ماهی نمکین و سرخ و برندی و میوه و ابریشم و پنبه خام و تنباکو و قهوه و غیره و عمده مال التجاره خارج اشس حیوانات است مانند گاو و گوسفند و غیره و پنی و کره و پیره و زبان نمک آلود و خوب و اشیاء ابریشمین و ساعت و صندوقچه های ساز و جواهر آلات -

ساعت اسوتیزرلند
 اسوتیزرلند اینچونند
 سرخ کلوئین
 سرخ کلوئین

طرق و شوارع - اسوتیزرلند را شاهراه های چند است بسیار خوب و کشتی های آتشی در هر یک از آنگیرهای آن در حرکت است و بقدر ۸۰۰ میل ریلومی دارد این ملک و بیشتر از ... میل ملگردان تمام عیار که همه شب و روز در کار اند -

مذهب - اهل اسوتیزرلند قریب صدی ۶۰ پرستنت است بطریقه و آئین کلوئین تقریباً صدی ۱۰۰۰ من کتلیک اند و یهود و غیره و از برای هر فرقه و مذہبی آزادی است و مردم این طریقہ اش و اعتنا نمیست جز یک ذات که آنرا میخوانند جیسو آپست -

شرعیات - قانون ملکی اسوتیزرلند اطفال بر صفتی از اصناف خلق را مجبور دارد که بجزر حاضر شوند

جغرافیای سوئزرلند

یا بطور ضرورت و لزوم در خانه های خود یا جای دیگر تحصیل علم کنند از سن ۶ سالگی الی ۱۳ سالگی -
 در هر ضلعی از اضلاع ملک و در هر مدرسه است و برای اطفال فقرا و مساکین یکی درجه اول که فقط
 از برای مبتدیان است و دیگری درجه دوم که از برای درجه عالی تر است و مخارج این مدارس
 در کمال قلت نیز هست که بر احدی شاق نیست و چند مدرسه دیگر هست بجهت آموزش معلمین
 مدارس و چند دارالفنون هم هست بجهت علوم اجمعه و طلاب اعلی تر - در ضلعی که خلق آنها بجهت
 پرستنت اندکی از پنج نفر از اطفال خلق با علم است و در ضلعی که پرستنت درین
 کتلیک مخلوط اند در اینجا یکی از بهت نفس و در جایی که تمام خلق رمن کتلیک اند یکی از
حکومت - حکومت سوئزرلند را می نامند یونیتد کانتی ریشی بعبارة خبری
 بالاتفاق و آن چنان است که در هر کنتان یا ضلعی فرمانروائی است مستقل و رتق و تقی
 هر یک از امور داخله آن کنتان باختیار او است در کمال استقلال و آزادی مگر عموم عظام
 امور و مصالح تمام ملک و قایده عموم ضلایق و علایق ملک با دیگر ممالک خارج داکتار است
 به مجلسی که میخوانندش و عمرت که مشتمل است از وکلای خلق هر کنتان و این دنت بر دوش است
 قسمتی را میگویند نیتیت کونسیل و قسمتی را میخوانند "نیشنل کونسیل" یعنی شورای طایفه - مجلس
 مشتمل است از ۴۴ جناب و مجلس دوم از ۱۳۵ جناب که هر یک از آن (یعنی مجلس دوم) وکیل است
 از جانب ... ۲ نفس از خلق ملک - اصل صیل و رأس رئیس این مجلس در جریان اعظم
 امور و نقراند اجزای مجلسی که بنامندش "فیدریل کونسیل" و هر یک از این بهفت نفر گزیده
 معین می شود از برای مدت سه سال -

در سوئزرلند
 در سوئزرلند

تاریخ

باشندگان قدیم نیکلک از ذات سلت بودند که در میان آنها را میخوانند **پلوتی** و وجه تسمیه ایشان باین نام از این بگذر بود که ملک شان را **پلوتیا** میگفتند. **جولیس** سید سر این قوم را مطیع خویش ساخت و در ۶۰ سال قبل از مسیح و همین نحو تابع رود میان بودند تا صد سال سوم عیسوی که در آن زمان ایل برگندی و جرمن مالک و فرمانفرمای این ملک شدند. در آن زمانه واسطه نیکلک چون سایر قسمتها و ممالک یورپ مشتمل بود بر تعداد بسیار مستعد که روسای ایشان پیوسته مشغول جنگ و جدال بودند باینکه بگرد و فقط بنام اطاعت میکردند یک فرمانفرما بزرگی را هر که بود. وقتی از اوقات کونت ای پست سبک یک حصه قلیلی از کنتان بر آن را قابض و ملک شد چون خاندان مذکور را اقتدار و استیلا بیش شد و به چچی استر و دست یافتند رفته رفته خود را مالک آن ممالک نمودند بر یک حقه عظیم نیکلک و چندین ظلم و تعدی بر ساکنان آن روا داشتند که ایشان را یعنی و سرکشی انجامند. در سال ۱۳۰۷ مسیح نیکلک بیکدیگر میگریختند و بر خود میس نمودند و **ولیم اول** زمامی را مردی بسیار نامی معروفند بجای ایل استر را شکست داد و منبرم ساختند نگاه اتحادی نمودند ای که ایل بایه شد از **اسویس کانفدرسی** بعد از آن قبل از سال ۱۳۵۳ مسیح کنتان بیکدیگر میگریختند با اینها و در سال ۱۷۱۵ کنتان از گارا را از دسترا گرفتند و در سال ۱۷۴۵ و ۱۷۸۱ مسیح کنتان بیکدیگر میگریختند شامل شد اینها را. کنتان بیکدیگر میگریختند در سال ۱۷۹۷ و بعضی از کنتانها را دیگر هم در اویل صد سال شانزدهم گرفته شد از کف هر قومی و هر ملکی که بود. ملک اسوتیزرلند را لشکر فرانسویان خفت آورد در سال ۱۷۹۸ و قانون مهول آن صورت جدید یافت و نامش تغییر یافته **پلوتیک** **سپتیک** **سوم** گشت ولیکن در سلطه پاریس سال ۱۸۱۵ مجدداً حکومت و استقلال قدش بجالت نخستین باز آمد و کنتانها آن

سلطه اسوتیزرلند
یعنی اتحاد و استیلا
من اسوتیزرلند

قرایش یافت ۲۲ کشتان شد یعنی باین قسم ضلعا یک قیل اینان فقط رعیت یا محض متحد بود و بطور دوستانه
یکدیگر را صد شدند همه با هم -

آثار و سوغات و آثار و عطا ماز و میان چیزی در این ملک باقی است آن قلاع و معابد و میوه‌های و کلیساها می است متعده
از از منته او هر تاریخ صحت بعضی از این کلیساها می کوره کتب خانه نوشته‌جات و کتب قدیم این ملک بود چنانچه

در کتابهای و بیست گال چند نسخه از کتب متقدمین یافت که در هیچ کتابخانه و ملک دیگری یافت نشد و نظیر سید
اهل اسوتیرلند از و در این ماده عظیم طوایف یا ذات‌های پر استند چنانچه در مغرب‌های این ملک اشاره شد یکی تروان

و دیگری لتین از اینها کسانیکه در وسط و شمال مشرق این ملک سکونت دارند که هفت قسمت از ده قسمت تمام ملک
اغلب ایشعه تیوتان استند یا جرمن در این قسمت باقی کو و ملک اسوتیرلند غالب لغت هر وجه لغت جرمن است

خلقی که در جانب جنوب و غرب اقامت دارند غالباً متعلق از ایشعه لتین که تکلم میکنند زبان فرنج - و آنچه که
از این قوم در حد و اطراف بگیرند اسکونت دارند و نیز در کشتان تسهیلن همه از ایشعه لتین اند - جماعت دیگر

هستند که در ادوی که بر لسیان سکونت دارند این جماعت یعنی متکلم اند کنی با جمله نسبت و نسبت در لغت
لتین - با جمله زبان فرنج در جانب جنوب و مغرب اسوتیرلند زبان عموم خلق است سوای آنها که در تسهیلن

اقامت دارند که زبان مردم ایتالی تکلم میکنند و لغت فرنج را غالباً عالی خلق میدانند و ملک اسوتیرلند
مردم این ملک از قدیم ایتالی معروفند مشهور بوده اند و غریب نوازی و مهربان و دوستی و صفای و ستمنازی

و حسب وطن خانه‌های ایشان غالباً از چوب است و بسیار ساده و بی آرایش و بیجان آنها در خارج بنا
واقع است و بسیار پاک و با صفا نگاه میدارند آنها را - و خوردن مشروبات و سکر است بسیار اندازند

بسیار محنت کش و مشتغولی هستند و عقل معاشرتی اندکی خور سالان فرنج در امور مشغول میدارند و در کارهای

سلسله پادشاهان در جانب
که از ایشعه تیوتان
با هم آید و میزند با اطران

ممالک جرمنی

جغرافیا

لفظ یا نام جرمنی (Reich) وایچ کنست (The German) مکرر اطلاق شده است بجهت تمام زمینی که در وسط مملکت یورپ واقع است که خلق آن بابت جرمن مستحکم اند و باین قسمی که ذکر شد شده خاک واقعی استریا یعنی خود استریا نه توابع آن (هم شامل این خاک است ولیکن ممالک جرمنی که اکنون در این کتاب بیان می شود بموجب تقسیم بلتیک (یعنی حکومتی) ممالک یورپ است و در این صورت ممالک جرمنی زمین و ملکی است که از سال ۱۸۷۱ عیسوی معین و معلوم گشته -
 قسحت - ممالک جرمنی ۲۱۲۰۹۱ میل مربع است و غایت طول آن ۸۵۰ میل و غایت عرضش ۵۰۰ میل و این ملک محدود است در طرف شمال با دریای شمال و ملک دنمارک و دریای بلتیک و ملک روس و در طرف شرق با روس و استریا و در طرف جنوب با استریا و اسوتیزر لند و در طرف غرب با فرانس و بلجیم و آلمانند - سواحل دریای این ملک ۲۰۰۰ میل است که از آن ۵۰۰ میل متعلق است به دریای بلتیک و بقیه تعلق دارد به دریای شمال که بسیار از جاهای آن چندان هست است و در نشیب افتاده که سد باشد بجهت دفع منجم طغیان آب دریا -

به جهت سواحل این ملک
 این ملک در زبان حسب
 وایچ کنست میخوانند و در زبان
 ورنس آلمانی -

جغرافیای جزئی

جزایر - جزئی اینها است -

(۱) آکسین که ابتدا متعلق بود به دنمارک و در سال ۱۸۲۴ جزئی متصرف گشت آنرا - این جزیره

۱۳۰ میل مربع است و ۲۲۰۰۰ خلقیت دارد این جزیره بحسب میوه بسیار ممتاز و معروف است

(۲) فریزلند - این جزیره ۷۰ میل مربع زمین دارد و ۸۰۰۰ خلقیت آن است -

(۳) روتکن - این جزیره متعلق بود به دنمارک مگر واگذار شد بجزئی در سال ۱۸۱۴ و مساحت

آن ۳۶۱ میل مربع است و خلقیتش بیش از ۱۰۰۰ نفر است -

(۴) اونسداهم که ۸۰ میل مربع زمین دارد و ۱۱۰۰۰ خلقیت - بعضی از جزایر کوچک دیگر

هم جزئی را است که قابل ذکر نیستند -

فریزلند

جزایر فریزلند

سطح - شمال ملک جزئی حصدا وسط است از دشت عظیم یورپ و سطح است مگر اندکی

مرتفع است از سطح دریا و مثل است بر صحرای وسیع ریگستان و متعدد و انگیزهای خوش و خلاص

و کوههای متعدد و مطلقاً لم یزرع و غیر معمور افتاده - وسط این ملک که در جانب غرب

آن است و نیز جنوب آن همه کوهستان است و یک سخت زمین مرتفعی است که ارتفاع آن از سطح دریا

از ۱۵۰۰ فوت است تا ۲۰۰۰ فوت است و بسیاری از اطلال است و زمینها که هنوز از بقایای

چنگلهای قدیم پوشیده اند یعنی آباد و معمور نیستند بلکه شکل اند - کوهها همه اینها که از هر طرف کشیده شده

استند در حد و کمر عظیم همه در طول و عرض اینها است (۱) فیکسل گیمپرگا که ۴۵ میل طول ۲۸

میل عرض است و ارتفاع قلل آن آگس ۵۲۸۰ فوت مرتفع است - نمایش دوامنه با و

بوارگی - بین دوره ها و سلاسل رودس و قلل این کوه که اکثر ۳۰۰۰ فوت مرتفع اند چنان واقع

جغرافیای جرمنی

شده اند که جغرافیای نویسان قدیم این کوه را باغ فردوس خوانده اند زیرا که چهار رود از این کوه سرچشمه
 و جاری میشود چهار جانب و نیز در تعریف آن گفته اند که آنها را آن پرست از مر واریه سلطان جواهر است
 الوان و طلا اگر چه لغزاق گفته اند مگر در واقع اشیا مذکوره در آنها یافت می شود ولی بسیار کم بها و کم
 (۳) کوهی است که بینا مندرش خشک نمیشود و ارتفاع قتل آن از پر است که ۶۱۳ فوت ارتفاع است
 (۳) کوه ریچ آلتیس که ارتفاع قتل آن که ارتفاع قتل جبال انیمیک است زگس پیر است
 ۹۷۱۶ فوت ارتفاع مگر طول و عرض آن معلوم نیست.

(۴) حرز که ۹۰ میل طویل است و فرا گرفته است ۱۲۵۰ میل مربع زمین را و ارتفاع قتل آن
 ۳۷۴۰ فوت ارتفاع است - اراضی مرتفعه انیمیک و نج است مگر در اینجا تفصیل آنها را
 نیست ولی باید دانست که اقل ارتفاع زمین جرمنی از سطح دریا ۷۰۰ فوت است -
 دشت و زمین مسطح جرمنی مشتمل است بر تمام اراضی شمالی آن که کشیده شده است از ملک بالندنا
 بلک روس و از دنا مارک تا بوریادوسنی و استریا که طول آن از مشرق مغرب ۶۰۰ میل است و
 غایت عرض آن از شمال بجنوب ۴۰۰ میل -

انهار - در ملک جرمنی آب بسیار است که از هر طرفی کشیده میشود و در میدان عظیم سراسیم رود
 میریزد یکی در جانب شمال و مغرب که داخل میشود در دریای شمال و دریای بلیک و دیگری در
 جنوب و مشرق که داخل میشود در دریای اسو و عمده رودهای این ملک اینها است -
 (۱) رپین - اینجا از این رود داخل ملک جرمنی است ۳۷۰ میل است و در این ملک عرض دو
 مذکور از ۵۰۰ فوت است تا ۱۲۰۰ فوت و بسیار از آن در انیمیک قابل مسافرت است -

کوه ریچ آلتیس
 ارتفاع آن ۹۷۱۶ فوت است
 ارتفاع آن ۶۱۳ فوت است
 ارتفاع آن ۳۷۴۰ فوت است
 ارتفاع آن ۱۲۵۰ میل مربع زمین را
 ارتفاع آن ۹۰ میل طویل است
 ارتفاع آن ۷۰۰ فوت است
 ارتفاع آن ۳۷۴۰ فوت است
 ارتفاع آن ۶۰۰ میل است
 ارتفاع آن ۴۰۰ میل است
 ارتفاع آن ۳۷۰ میل است
 ارتفاع آن ۵۰۰ فوت است
 ارتفاع آن ۱۲۰۰ فوت است

۱۸۰
 جغرافیای جزئی

- (۲۱) امس - ۱۶۰ میل راطی نووه داخل دریای شمال میشود -
- (۲۳) ویزر - ۲۵۰ میل طول دارد و تماماً قابل مسافرت است -
- (۲۴) الپی - تماماً داخل ملک جزئی است و طول آن ۶۵ میل است و رود بسیار مفیدی است از برای تجارت و حمل و نقل استغذ ملک -
- (۵) اوزر - ۴۴۰ میل مسافت راطی کرده داخل دریای بلنیک میشود و سراسر قابل مسافرت است
- (۶) ویستولا - این رود بیش از ۵۲۰ میل طول دارد و گرجینا بر مع آن در جزئی است و بیشتر آن قابل مسافرت است و آنچه از آن در جزئی است سراسر قابل مسافرت است -
- (۷) نپرون - این رود در واقع متعلق است بملک روس و اندکی از آن در جزئی واقع است که معلوم بنده نیست چند میل است -
- (۸) ویویوب - این رود طول رودهای یورپ است و در چند ملک میگذرد و مگر بر بنده معلوم نیست که چه مسافتی از آن در جزئی است و طول آن ۱۵۶۰ میل است -
- آنگیر - در ملک جزئی آنگیر متعددی است مگر هیچ یک قابل ذکر نیست -
- هوا - هوای ملک جزئی بسیار مطبوع و خوش است و سالم مگر بحسب ظاهر اختلاف دارد و در زمستان سردی چنانچه در شمال سرد است و زمستان حدود شمالی بسیار طولانی است و در زمینهای مرتفع هوا بسیار معتدل و خوش و معتد است ولی در روس جبال و دهنه اطلال و دشتهای و محلهای بسیار است بغایت گرم و سرد است علی اختلاف الحالات و غایت اعتدال هوا در تمام سال ۸۴ درجه است -
- خاک و حاصل - خاک جزئی مطلقاً حاصل خیز است هر چند دشتهای شمالی آن تمام خشک است

جغرافیای جرمنی

ولم یزرع وریل زار است مع ذلک قطعات بسیار حاصل خیزی در آنها یافت میشود و همچنین در طوشی آنها
 و باین حیال میدانها تنگه واقع شده است در او اسطیقل و اراضی شکلاخ و با بجمله جای حاصل خیز است
 ملک اسپینگی ندارد و مگر خاک شمال آن سخت است مناسب است بچوپه خوب خاک جنوب است
 نیک است بچوپه روئیدن تاک - حاصل انیمیک حیوان دست آموز جرمنی همان اقسام است که در انگلستان
 یافت میشود و حیوانات وحشی و وحشی آن مثل است از خرس سیاه و کرک لنگس و روباه و قهقهه مختلف است
 نبات انیمیک مثل است برگندم و جو و رانی و زردت میوه جات سبزی لاتی که در خاک انگلستان یافت میشود
 ملک جرمنی با فراط است کوفی که در جنوب آن آگور و بادام و قندق و امثال اینها نیز بسیار است و نباتا که
 فلکس و تپه با پ غیره هم حاصل میشود بغایت اشکال در نهایت محنت و مشقت و چوپ اقسام مختلف
 بسیار متناز یافت میشود در خاک که نه فقط در خود ملک صرف میشود بلکه بچوپ بیرون میروند از ملک - در هیچ ملک
 از ممالک یورپ باین کثرت و ختلاف اقسام معدنیات نیست که در ملک جرمنی و در هیچ جاتی باین خوبی و
 پرمندی معادن نمیکنند و معدنیات آنرا بیرون نمیآورد چنانچه در انگلک طلا و نقره و آهن و قلع و مس و زین
 و نمک و سنگ مرمر و سنگ عمارت اقسام مختلفه جواب است خاکی که از آن با رفتن میسازند معادن انیمیک حاصل
 میشود از جمله معدنیات انیمیکه غالب نیست که در بعضی از اضلاع یافت میشود مگر نه بقدر کفایت که غالباً بر میزند
 و سوخته میشود و بعضی از مقامات سرد و در انیمیکه های معدنی متعدد هم است هم گرم و هم سرد -
 طرق و شوارع - ریلوی در تمام ممالک جرمنی کشیده که رشته بای آنها یکی بالاسی گیری میگردد و اکنون
 ممالک جرمنی بقدر ۱۵۰۰۰ میل ریلوی موجود و در کار است مگر اینها بر میسد چندان نیست و مگر اوت را
 بنده نمی دانم که در این ملک تا چه مسافت چند میل کشیده اند زیرا که در جغرافیای ما ندیدیم -

حضرات قباای جرمنی

خلقیت - خلقیت ممالک جرمنی پیش از انقلابین است که در ۱۹۳۲ تقرباً بخش می شود یک میل مربع
و از این بزرگتر است ۹۲ جرمن است بقیه آن فرنج است و قومهای دیگر - لغت مردم و حکومت کور
در بار حکومت و کلیت او کتب و نوشتهجات تماماً لغت جرمن است مگر طوایف و قبایل دیگری
که اصالتاً غیر جرمن هستند در میان خود بلغات مختلفه خود حکم میکنند.

حکومت اصول

اصول عهد بدو حال ممالک جرمنی آغاز شده از ۱۹۱۹ ماه اپریل ۱۹۱۹ اجناسی ذکر نموده در بار این اصول
مقرر شده است که ریاستهای جرمنی "مشور باشد علی الذم چه نقطه و حر است ملک در گانه دار
استایش در آرایش خلق جرمن "سر رشته تمام امور متعلقه سپاه و ملک بکف پادشاه پادشاهی است که
مخاطب است خطاب "دایمیر قیصر" و قیصر مذکور وکیل مطلق است تمام ملک را اختیار دارد و اگر
جنگ بود (اگر چه تراست ملک باشد) صلح کند با دول دیگر و عهد و پیمان بندد و در پیمان اول فایده
بملک و ظل کند و در پیمان بملک خدجه بفرستد و اگر جنگ بود پیمان است ملک باشد قیصر مذکور را
لازم است با رضای کونسل که معروف است به "فیدرل کونسل" که اجزای آن ۱۵ نفرند
و کلای افراد ریاسات ملکند صورت بود - علاوه بر این کونسل دیگری است موسوم به
"وینت آردی رلم" که اجزای آن ۳۹ نفرند که با رضای تمام قوم جرمن گزیده شده و
میشوند مدت بان استقرار ایشان سه سال است و با کمال تمام قوانین ملک جاری می شود
بمشورت این دو مجلس متفقاً و معاً.

این اصول در ۱۹۱۹
مقرر شد که ریاست
ممالک جرمنی
مشور باشد علی الذم
چه نقطه و حر است
ملک در گانه دار
استایش در آرایش
خلق جرمن
سر رشته تمام
امور متعلقه
سپاه و ملک
بکف پادشاه
پادشاهی است
که مخاطب است
خطاب "دایمیر
قیصر" و قیصر
مذکور وکیل
مطلق است
تمام ملک
را اختیار دارد
و اگر جنگ
بود (اگر چه
تراست ملک
باشد) صلح
کند با دول
دیگر و عهد
و پیمان بندد
و در پیمان
اول فایده
بملک و ظل
کند و در
پیمان بملک
خدجه
بفرستد و
اگر جنگ
بود پیمان
است ملک
باشد قیصر
مذکور را
لازم است
با رضای
کونسل که
معروف است
به "فیدرل
کونسل" که
اجزای آن
۱۵ نفرند
و کلای
افراد
ریاسات
ملکند
صورت
بود - علاوه
بر این
کونسل
دیگری
است
موسوم
به "وینت
آردی
رلم" که
اجزای
آن ۳۹
نفرند
که با
رضای
تمام
قوم
جرمن
گزیده
شده
و
میشوند
مدت
بان
استقرار
ایشان
سه
سال
است
و با
کمال
تمام
قوانین
ملک
جاری
می
شود
بمشورت
این
دو
مجلس
متفقاً
و
معاً.

تاریخ جرمنی

تاریخ

تاریخ قدیم جرمنی مکتوب است در پرده خفای غیبی مخفی معلوم نمی شود چه بوده مع ذلک فی الجمله
 و آثاری هست که قوم سلت در مغرب و قوم فینز در جانب شمال و مشرق سکونت داشته اند
 مگر چون سینه چینی یا گات از طرف دریای اسود آمد همله بر این دو قوم مذکور آوردند و ایشان را
 مغلوب ساختند و این قبل از آن بود که رومیان دخل و تصرف در امور این ممالک آوردند
 قبل از تاریخ عیسوی لشکر رومیان متقاعد و خور ساختند تمام طوایفی را که سکونت داشتند
 از روم در بین گرفته تار و دو زبانی - مملکت مغربیه که منقرض شد در سال ۷۵ عیسوی محبت شد
 بکالت نخستین باز آمد با تمام شهر لپن در سال ۱۰۰ عیسوی و پارتیان فرانس امپرات مملکت مذکور
 بودند سال ۹۱۱ پس از آن مملکت کوچکی شد بجزین با وکی شد که کتیبه سیه بند است که در مملکت مذکور
 منقسم شده در کل با صلح و مجلس عام آن صورت انجام نظرم و او در گو نام و مصالح را - قوه و فرانس در سال
 موجب اختلاف بر جزیری این مملکت شد و حکومت جدیدی گرفت از اتحاد و اجتماع بعضی از پادشاهان
 این مملکت موسوم به **کانفدریشن آو دوی راین** در تحت حمایت و دوستی ناپلین یعنی با اختیار
 در فرانسه ای فرانسه - در سال ۱۸۰۶ این کانفدریشن جرمنی استقلال و استقلال بهم رسانید بواسطه
کنگرس وینا و این استقرار چنین بود که تمام ریاستهای این مملکت با یکدیگر گشتند بجز **نمیت**
 حد و مملکت خود و گاه پادری مسلح و عشا و امنیت و آرامی و نظام تمام مملکت - چند قرار و مدار
 غلطی داده شد بواسطه این اتحاد که فی نهایت اهم و عظیم بودند که آنکه از جانب هر ریاستی

تاریخ
 مع ذلک فی الجمله
 سینه چینی یا گات
 رومیان
 فرانس امپرات
 مملکت مذکور
 کتیبه سیه بند
 کانفدریشن آو دوی راین

شخصی نایب باشد و دیگر آنکه بحق و بانصاف هر صنفی از اصناف خلق و پیروان هر یک از طرق مذموب عیسوی با هم یکسان باشند و دیگر آنکه یک قانون کلی در همه جا جاری باشد و دیگر آنکه هر یک از ریاستهای ملک بحسب خلقت خود بخشی از لشکر ملک را از خود مقرر کرده

این کانفدریشن یا اتحاد مشتمل بود از سی و هشت ریاست مستقلة که از جانب هر یک نایب مقرر بود که در مجلس شورای عامه بنشینند مدام و محل اجتماع مجلس مذکور در شهر فرانکفورت آن درمی بین بود و لیکن عمده مهم امور آن مجلس در قبضه و دوزخ عظیم ایشان از اجزای آن بود یکی نایب استرلیا و دیگری نایب پروشیا - در سال ۱۸۴۸ حکومت کثرت از ریاست ملک جرمنی اختلاف کلی بهم رسانیدند بواسطه خیالات و امیدهای سرکشی و لغبی و در آنحال یک اصول جدیدی مقرر گشت که پرئنت هم در آن شرکت بود و بعد از آن فوراً این فقره

را برهم زده رسم دیگری جاری کردند که قریب به همان رسم پیشین بود -

و لیکن اساسی که اکنون برپاست فی زمانه آنها آن است که برپای شد در ۱۶ ماه اپریل ۱۸۷۱ که قبل از این ذکر کردیم -

آنها در علامات قدیمه حسب مستی منحصر است عمده مختلف عمارات یافتان های دیگر که باقی مانده است از رومیان در جانب جنوب و مغرب ملک مذکور و بعضی

کلیسایاتی که مانده است از اداسط تاریخ عیسوی -

اینست که در آن زمان
تاریخ است و در آن

پروشیا

جغرافیا

ریاست پروشیا حاصله است از ملک جرمنی چنانچه غالباً جغرافیا و تاریخ آنرا هم متحداً مینویسند و هم منفرداً
 و این ملک واقع است در شمال مملکت جرمنی و کشیده شده است در جانب شمال غربی آن و تارک
 تا سخال استریا در جانب جنوب و مشرق و از ملک فرانس گرفته در جانب جنوب و مغرب میر و تا سخال
 روس در جانب مشرق - در حاشیه شمالی آن واقع است دریای شمال و تارک و در با
 پلتیک و تارک روس و نیز در طرف شرق آن واقع است ملک روس در جانب جنوب شرقی آن است
 ملک استریا و چینه و استهای جرمنی و در جانب مغرب آن واقع است فرانس و بلجیم و دانند -
 مساحت آن ملک ۱۳۷۰۶۹۰ میل مربع است قریب دو شصت تمام ملک جرمنی - تمام ساحل دریای شمال
 در پلتیک دریای شمال متعلق باین ملک است و قریب تمام رودهای عظیم جرمنی در این زمین واقع شده
 بیشترین جمعیت این زمین در اهل است در "دشت عظیم جرمنی" و لیکن در بال و اراضی مرتفعه در جانب
 جنوب و مغرب آن بسیار است و بسیاری از شعب عظیمه رفیع جبال جرمنی هم در این قطع واقع شده -
 هوای این ارض غالباً سرد است و در جانب دریای پلتیک مرطوب است و از آن سبب تا مغرب و مقتر -
 خاک این ملک در کناره و قریب حشر چینه انهار در جانب شمال و مغرب تا با پر قوت حاصل خیر است
 مگر قطعات وسیع ریگستان و سنگلاخ است که بکلی لم یزرع مانده - عمده حاصل این زمین چوب است

جغرافیای پروشیا

حیوانات چاق و آنچه ساخته میشود از شیر و نیز شراب و چوب و سنگهای قیمتی و سنگهای عمارت و نقره
 و مس و قلع و آهن و زغال و گوگرد و کبریت و نمک و شوره و زاج و اقسامی مختلف از خاک و بجهت طرز اکتساب
 خلاقیت - خلقیت بزرگ ۲۴۶۹۳۴۸۷ نفس بود در سال ۱۸۷۱ که صدی ۸۸ نفر از آن
 بزمین بود و بقیه صدی ۱۳ از آن سایر قوم و نسل غیر - مذکورند پروشیا عیسوی است و خاندان سلطنت
 صدی ۱۵ نفر از تمام خلقیت ملک از قسم پست است و صدی ۲۳ زمین گنبد بقیه بود و در آن وقت
 فضای و تمام ذراتهای عیسوی در این ملک یکسانند و در هر جمعی از حقوق و امری از امور -
 تقسام - بجهت نظم و نسق و سرانجام امور و مصالح ملکی پروشیا تقسیم شده است در اوضاع و احوال
 محلات و اوضاع و احوال تقسیم ثانوی یافته است در ۳۵ پرگنه یا محال - پای تخت پروشیا
 برین است که در وسط ملک واقع است و خلقیت آن ۸۲۶۳۴۱ نفس است -
 مشاغل - در احوال مشغول و کوشش نمیی از خلقیت ملک پروشیا است و عمده در احوال مشغول
 و فلکس و مپ و نمبا کود و بایس و رز - مینو کچری نیز در محال گرمی و کثرت جاری است و مشغول
 بر اشیائی که بافته و ساخته و حاصل میشود از پنجه و بشیم و کتان و ابریشم و آهن و ساختن توپ و مشغول
 و شکر و غیره - کردن معادن بویژه زغال و آهن و قلع و نمک بیتی و حساب میشود و در هر
 از این ملک و تجارت پروشیا هم با فراط است و مال التجاره خارج اش عمده چه بسیار است و
 و بشیم و فلکس و روغن سوختنی یا غیر سوختنی و مال التجاره داخل اش زغال و پنجه و ابریشم و غیره
 خام است و غیره یعنی ساخته و بافته -
 طرق و شوارع - طرق و شوارع این ملک در نهایت خوبی است و گذشته معابر و طرق بسیار

نقشه جغرافیای پروشیا

جغرافیای پروشیا

وارد و انهار و جدا دل بشماری که همه قابل مسافرت و عبور سفایح است و نیز بیوی و تلگراف آن هم بسیار است و تا مسافات بعیده کشیده.

تربیت - علم و تربیت در این ملک حکم حکومت است و در هر قلعه و شهری و ملک پروشیا یک مدرسه بجهت تعلیم و تعلم متدیان موجود است و هر پدر و مادری مجبور است که اطفال خود را بجهت تعلیم و تعلم بفرستد و تعلیم گذارند خواه غنی باشند و خواه فقیر.

حکومت - حکومت این ملک پادشاهی موروثی است بموجب اصول و جریان همدم و مصالح ملک بدست پادشاه است و مجلس کونسل که اجزای آنرا پادشاه مقرر میکند و امور قوانین و قواعد بدست پادشاه است و مشاورت دو مجلس یکی مجلس خاندان سلطنت و اعظم ملک از اصناف خاصه بود و دیگری مجلس و کلاسی خلعت که مشتمل بر ۳۲۲ جزء که خلق هر یک امیگزید و مدت بقامت شان در مجلس حکومت سال است.

در پروشیا

تاریخ

چنین معلوم شده که نام پروشیا اشتقاق یافته است از پرگز می قومی که در وسط تاریخ عیسوی و اگر این ملک یعنی آنچه که واقع بود در وسط رودهای ویشولا و نهمین - در سال ۱۲۲۶ عیسوی آن زمین را که از ملک بکنند ساکنانش عیسوی بودند بجهت آنکه محفوظ و محروس ماندند و ششبره و تاخت و تاریخ این قوم که هنوز بل مذمت کافر بودند زمین باریکی را از ویشولا و گذار نمودند نسبت های یوتان که جماعتی بودند سپاهی پیشه و عیسوی که در عوض هر است از آن نمایندگیت باسی نگوره چون ملک پروشیا شد هدایت اشغال شان تغییر داد و تغییر دادن مذاسب خلق بود و کواز این زمان علم و

و تعدی آغاز نهاده و باین سبب اهل پلندایشان از بیروست خود کرده و در صد سال شانزدهم
 این سلسله از یکدیگر پاشیده و پریشیا چیزی شد متعلق تابع بملک پلندولی موروثی گشت و خانان
 اگیرت که بزرگ باریس پریشیا بزرگ بود چون در خانان مذکور اولاد ذکوری بیجا نماند
 در سال ۱۶۱۸ ملک پریشیا در افتاد و در دست سنگپشیمت که آنهم تیس گری بود از نژاد یکی
 از بزرگان که در اوایل صد سال پانزدهم ریاست یا سلطنت پریشیا بزرگ اغریده بود
 امپراطوری هند که مبلغ ریشی اینسان در اصل باریت سلسله که اکنون این سلطنت عظیم الشان قوی باز کرده
 هست از آن باقی است پس از آن پلندایشان که ملک پریشیا را بنموده و آنرا در قبول کرده است
 و عدم جنگی او را بنموده در سال ۱۷۰۱ او یک پریشیا تاج سلطنت بر سر خود نهاده خود را خواند فروردین
 اول پادشاه پریشیا جانشینان این پادشاه فرودن استوار ساختن حد و ملک او را در اصل تدابیر
 ملکاتی خود در زمان استقبال قرار دادند و بمراد ایام چیزی از آنست که چیزی از میرنده و نیز هم خود را در وقت
 را گرفتند بنگاهیکه اجزای پلنداز یکدیگر پاشیده شد - در زمان بنگاه وقتند بنگاه واقع شد و فرستاد تا پریشیا
 تاخته شد و از پای درآمد و لیکن مجدداً برخواست و خود را بحالت نخستین باز آورد و با سایر دول
 در ساخت و مقابل بنپارت سپاهش مروانگی کرده خود را تاسی ساخت و جنگ و ایشرا لود
 مسلح ۱۸۱۵ بسیاری از جلالی را که از او شده بود باز پس یافت و هر چه آن با نمود و پیشتر
 سفل را و قسمتی هم از ملک سکسنی را -

تاریخ پریشیا
 در سال ۱۸۱۵

آثار قدیمه از آثار علامه بعضی صنایع مصنوعه از صنایع باقیانده است در هینک است پرتان قدیم
 آثار و علاماتی که تاکنون بحالت خود است از بدایت تیسوی چندین عجب و غریب قابل ملاحظه است

ملک آستریا

جغرافیا

آستریا (یا ملک آستریا و هنگاری) محدوده است در جانب شمال بملک پلند و پروشیا و سکسنی در جانب غرب به بوریادا سوئیزلند و در جنوب بملک ایتالی و دریای آدریاتیک و ملک عثمانی و در جانب شرق بملک ترکی و روس - طول آن ۱۰۰ مایل است و عرض آن ۵۰ مایل و مساحت آن بیش از ۲۲۶۰۰۰ مایل مربع است و تمام ساحل دریای این ملک ۵۰۰ مایل است و سه خلیج دارد یکی ۲۰ مایل طویل و ۲۰ مایل عریض است و دیگری ۵ مایل طویل و ۵ مایل عریض است و دیگری ۳۰ مایل طویل است و عرضش معلوم نیست - جزایر آن یک بسیار است مگر همه کوچک و اگر چه همه کوهستان است مع ذلک کم دریا و فرسوع است و حاصل آنها خوب است و انگور و روغن و انجیر و بادام و عسل ابریشم و زعفران و چوب و مرمر و نمک - بزرگترین آبها سه است یکی ۶ مایل طویل است و دوتای دیگر ۳ مایل طویل و اردسبرگ است -

سطح ارض ملک آستریا ۱۶۶ فوت ارتفاع است از سطح دریای مدیترانه و در جنوب و شرق غالباً کوهستان است و اغلب مشتمل است بر دشتها و سراسر جبال آلپس - بادیه ای که مابین این جبال واقع است متضمن اند بهترین و فخر خناک ترین و شیرین ترین جبالها را که در تمام اروپا

جغرافیای استریا

یافت میشود و در وسط این مملکت چند دشت مسطح و وسیع معمور و حاصل خیز بسیار خوب افتاده است
 مگر بعضی از اراضی پست آن کویر است و بدجا و بدوضع و لم نیرس و همه جا یکسان هموار نمیاید.
 جبال - جبال که سه ربع ملک استریا را فرا گرفته اند بر سه سلسله مشتمل اند -

اول - سلسله جبال ^{پونیا} و ^{مرویا} که فرا گرفته اند شمال و مغرب این ملک را - و در این سلسله ^{شعبه} است
 (۱) سووتیک که ارتفاع قله آن ۳۸۹۲ فوت مرتفع است (۲) ^{پونیا} که ارتفاع قله آن
 ۳۷۸۰ فوت است - (۳) ^{آرخص} که ارتفاع قله آن ۴۰۷۴ فوت رفیع است (۴) ^{پرویشا}

که ارتفاع قله آن ۴۵۰۰ فوت رفیع است - (۵) جبال ^{مرویا} است که ارتفاع قله آن هم ۴۵۰۰ فوت رفیع است
 دوم - سلسله جبال ^{الپس} است که فرا گرفته است ملک استریا را از خاک ^{بهارگی} الی خاک ^{سوتیرلند}
 و در این سلسله ^{شعبه} است - (۱) ^{آرتیرل} که ارتفاع قله آن که ارتفاع قله تمام جبال استریا است

۱۲۸۱۴ فوت رفیع است - (۲) ^{تیمبرگ} که ارتفاع قله آن ۱۲۳۰۰ فوت رفیع است -
 (۳) ^{توارن} که ارتفاع قله آن ۱۲۴۰۵ فوت رفیع است (۴) ^{ایستیریا} که ارتفاع قله آن
 ۱۰۰۴۴ فوت رفیع است (۵) ^{ترینی} که ارتفاع قله آن ۱۱۰۴۵ فوت رفیع است

(۶) ^{گرنیک} که ارتفاع قله آن ۹۵۰۰ فوت رفیع است (۷) ^{جولین} که ارتفاع قله آن ۹۳۷۱ فوت است
 سوم - سلسله جبال ^{بهارگی} است که کشیده شده است در شمال و شمال و مشرق و جنوب و
 مشرق ^{بهارگی} - در این سلسله نیز ^{شعبه} است (۱) ^{گرنیشیا} ^{سغیر} (۲) ^{بکسپن} (۳) ^{تترا}

(۴) ^{گرنیشیا} ^{ده} (۵) ^{اکتپ} ^{ترین} ^{سلونیا} (۶) ^{بکاجنی} (۷) ^{وتیاره} ارتفاع قله هر یک این
 تفصیل است ۲۰۰۰ فوت - ایضا ۲۰۰۰ فوت - ۸۷۷۹ فوت - ۹۵۲۸ فوت - ۲۰۰۰ فوت ۲۰۴۶

سلسله جبال پونیا
 سلسله جبال مرویا
 سلسله جبال الپس
 سلسله جبال بهارگی
 سلسله جبال سوتیرلند
 سلسله جبال توارن
 سلسله جبال ایستیریا
 سلسله جبال گرنیک
 سلسله جبال جولین
 سلسله جبال بکسپن
 سلسله جبال اکتپ ترین سلونیا
 سلسله جبال وتیاره

جغرافیای استریا

دشتهای این ملک باین موجب است -

(۱) دشت شمال بنگاری که زمینی است پر آب و سرسبز و بغایت حاصل خیز (۲) دشت جنوب بنگاری که سطح است وسیع و بیقیاس حاصل خیز و معمور و در وسط این دشت بسیار زمینهای رنگینار و کویرولم بزرع هم هست ولیکن این کویرولم را بخوبی و مسرت آباد و سرسبز کرده اند -
 اترهار این ملک باین موجب است -

(۱) ناله و کس از طی مسافت ۷۰ میل داخل البهی میشود و بسیاری از آن قابل مسافرت
 جہازات است تا آنکه داخل البهی میشود - (۲) و نیوب این رود همه جا در وسط ممالک
 استریا میگذرد و سراسر آن که بیش از ۴۰۰ میل مسافت است قابل مسافرت سفاین است
 و آب های بسیاری هم با و احقاق می یابد - (۳) این رود مذکور یک شعبه عظیم و زیور است
 و آن استو نیز از شروع می شود و میگذرد از کنار شرقی پوریا و داخل نیوب می شود و
 پس از آن ۳۲۰ میل راطی میکند همه در ملک استریا و تا مسافت بسیاری از آن قابل مسافرت
 (۴) و در این رود ۴۰۰ میل مسافت راطی نموده و داخل نیوب میشود و ۲۷۰ میل آن قابل
 مسافرت سفاین است - (۵) سو این رود در جنوب استریا میگذرد و چون ۵۰ میل
 مسافت راطی نمود داخل نیوب میشود و در بگرید و ملک عثمانی ولی معلوم نیست که چند
 میل از آن در ملک استریا قابل مسافرت است - (۶) تمیش ۵۰۰ میل راطی میکند و ملک
 بنگاری و عاقبت داخل نیوب میشود و بیشتر آن قابل مسافرت است ولی معلوم نیست
 که چند میل آن است -

جغرافیای استریا

آنگبرای این ملک اینهاست -

(۱) آنگبرای پلتن - این آنگبرای از جمله آنگبرای عظیم یورپ است چرا که

۵۰ میل طول آن است و ۱۰۰ میل عرض آن و ۳۰۰ میل وسعت در زمین واقع است ۱۴۵۵

فوت رفیع و آبش چندان عمیق نیست و اندکی هم نمکین است و پرست از ماهی - (۲) آنگبر

زپرک شپش - این آنگبر نقطه ۴۰ میل طول است و از ۲ الی ۳ میل عرض -

هوا - هوای ملک استریا بسیار خوش و سالم است هر چند که بسیار مختلف است در جانب

شمال سرد است و نامطبوع و در جانب جنوب گرم و خوش و در وسط معتدل و خشک -

در کوهستان الپس ملک استریا بارش زیادی می بارد و بادها نیکه از طرف جنوب می وزد بسیار

گرم و سوزنده است و بادها نیکه از جانب شمال می وزد سرد است و بهر حال اقل اعتدال هوا

در شهر وینا قریب ۵۲ درجه است و هر دو هوای تابستان زمستان بقایت حدت است -

خاک - اضلاعی که مشحون است از کوهستان مشتمل است بر قطعات بسیاری سنگلاخ و نم نریخ

و اکثری از دشتهای هم کوهیست و در گیتان نم نریخ و بی حاصل مگر مطلقاً خاک این ملک حاصل

خیز است و زراعتش بسیار فایده مند است و مخصوص خاک دشتهای و میدانهای بهکاری و

بادیه های رود و لپتولا و غیره در حال خیزی خوبی لاشانی اند و تمام مملکت یورپ -

حاصل - حاصل خاک استریا بقیاس قیمی مختلف است - جانوران خاکی دست

علاوه بر آنچه عام است در ملک انگلند گاو میش است که مشتمل است بجهت کشیدن هر گوزن

در جانب جنوب بهکاری - خرس زرد و گرگ و لپناکس و خرس جنگلی و پیوز و بز کوهی و

علاوه بر اینهاست

در کوهستان الپس

هم جانوران از نوات

سباع

و چنانچه اسب بسیار خور و در صحراهای این ملک بسیار است - طیور این ملک مثل سبب عقاب
 زترین پر و دیگر اقسام عقاب چند قسم طیور بسیار قیمتی دیگر - در جاهائی که آب ایستاده زانوی بسیار
 یافت میشود که میریزند از این ملک بسایر ممالک یورپ - کجائیل جانوری که از آن قمری حاصل
 میشود یافت میگردد و در گلشنیا و مروارید بسیار خوب یافت میشود در بهیا - نباتات این ملک
 خوب است و میوه از هر قسم مخصوص انگور که بیسبب است بسیار ممتاز و اعلا و از حیثیت تاک
 و زراعت آن استرالیائی فرانس است و شرابهای انگور رنگاری لاثانی است در صفات و حاصل
 بخصوص آن قسمی که آنرا تاکی مینامند و شراب انگوری که در ملک استرلیا کشیده میشود در سال میلین
 مکن است - چوب اقسام مختلف و همه خوب یافت میشود در سر استرلیا این ملک مخصوص درخت بلوط
 این ملک هیچ ملکی در روی زمین ندارد - نهالهایی که در و اها بکار میروند بار آنها مانند اصل استوس
 در یونند و ترنجبین نیز در این ملک بسیار است - اشیائی که با آنها پارچه باغیچه رنگ میکنند مثل چوب
 زعفران و نیل و امثال ذلک هم در این ملک است -

معدنیات این ملک مخصوص سنگهای قیمتی و جواهرات بی نهایت و بسیار ممتاز است و کل
 بر این اشیا - آپال و لعل و گزنیث و پیریل و یاقوت زرد و عقیق و طلا و نقره ذریقی و آهن فولاد
 و قلع و مس و سرب و زینک و زغال و نمک و سر و سنگ عمارت و گل و رنگهای معدنی و چینی
 معدنی بسیار فایده مند -

حلق و زبان - خلقیت این ملک ۳۵۹۰۴۴۳۵ نفس بود و در سال ۱۸۲۹ و اکثر جزایر
 که زبان و لغت برین تکلم میگردد و در بعضی مقامات لغت پرنج و نیز در میان ایشان در اسکوتلندی

در گلشنیا نام جایی است
 یعنی نسل است
 در چوب زعفران است
 در کین و در نی نام است و در قفا
 در چوب زعفران است و جویا است
 که با این خوانده می شود
 در این است
 در این است

جغرافیای استریا

هم بسیار است که بیغات مختلفه سلوونی متکلم اند و ذات دیگر که میمانند مغیار که در ملک هنگاری حساب
 ریاست اند و بلغت هنگاری متکلم اند - در سده مذکورها اینها قریب ۵ میلیون بودند بغیر از اینها
 مختلفه دیگر هم هستند که از آنجا در سال مذکور ۵۰۰۰۰ نفر بود و بود در این ملک -

تقسیم ریاستها - مملکت استریا چنانکه امروزه است موسوم است به **استریا هنگاری** و
ماترکی (یعنی سلطنت استریا و هنگاری) مشتمل است تقریباً بر بیست نوات و خلق مختلفه که همه
 بلغت مختلفه خود متکلم اند که همه در زیر یک نگین و تحت یک پادشاه اند مگر در تحت یک فکر و
 ملکی چنانچه یک قوم و اهل یک ملک خاص باید باشند - از سال ۱۸۶۷ این ملک بر دو قسمت منقسم
 گشته یکی حکومت و سلطنت آنطرف رود و لیتوان که ملک استریا باشد و دیگری ملک این طرف رود و
 که ملک هنگاری بوده باشد - این ممالک منقسمه اگر چه در نظم و نسق و بند و بست امور و اخلاخ خود
 یکه گیرند مگر در سلطنت و لشکر و سپاه دریائی و جماعت حکم و اتحاد و جهت آمد و حکومت
 ایشانرا که همه در تحت آند میخوانند و **وین** که **پستتر** - و این مملکت استریا و هنگاری اکنون بجهت
 امور حکمرانی مشتمل منقسم است به ۴ قسمت که هر قسمت آن متعلق است بآن جانب لیتوان و
 قسمت باین طرف لیتوان - پای تحت اینمکه **وینا** است (بلغت جرمن وین) که بقدر
 ۴۰۰۰۰ خلقتیت وارود -

تقسیم استریا
 استریا و هنگاری
 وین و پستتر

مشاغل - دولت از خلقت استریا مشغول اند بر ااعت و عمده مقصد ایشان از و رعیت
 حصول خوب است و شراب و پرورش حیوانات - اما مینو کجری اینمکه مشتمل است از بافتن پارچه
 ریشمانی و پشمین و ابریشمی و کتان ساختن سیار - نذکج و کرسی و غیره و بطورالات متظرون

جغرافیای استرالی

آهنیر منجمد که در این زمان بخصوص بسیار ترقی کرده و وسعت بهم رسانیده - کندن معادن نیز خلق بسیاری مشغول دارد و یکی از مشاغل عظیمه این ملک است بخصوص بیرون آوردن طلا و لقره مس آهن و زینق و نمک - مال التجاره خارجه استرالی عمده چوب است آرو و اسباب مشین و مپ و چوب و شیم و شیمینه و شراب و بلور و بافتن و اقسام مختلف معدنیات که از جمله نمک است که بقیاس بیرون میرود مال التجاره داخله اش قماش یا دیگر چیزهایی است که بافته و ساخته میشود در ملک انگلستان و سکنسی و پرویشیا و دیگر جاهای ملک جزئی دروغن بیون و نم و عسل و قهوه و شکر و چای و امثال ذلک -

طرق و شوارع - حکومت استرالیاتوجه بسیاری نموده است در باب اسباب آمد و شد و ذاب و ایاب داخله ملک خود و لهذا طرق و شوارع بسیار خوبی ممتاز از هر طرفی از ملکش جاری داشته اند چون جبال بحیالی در این ملک هست لزوم بهم رسانیده است که در هر کجایی از آنها که شارعی است درست کنند لذ برای مرور عبور خلق و قوافل و در اینصورت پیش از ۴۰ طریق از جبال گذرانیده تاکنون - ریلوی این ملک در نهایت خوبی است و بسیار طویل چنانچه از شهر وینا چندین رشته ریل جاری میشود و هر یک بیک ملک عظیمی داخل میگردد - بیش از ۳۰۰۰ میل مسافت اینها را قابل مسافرت هست که بی ازان داخل نیگاری است چنانچه جهازات آتشی مسافر اینها را در روز و نیوب طی میکند و داخل میشود بدریای سوو - طرق و شوارع بزی این ملک هم کمال امتیاز را دارد حکومت و تربیت و تدبیر - حکومت ممالک استرالی و نیگاری پادشاهی با اصول است که میان همیش کانتونر تی بیوشنل با ترکی مکر وضع حکومت و سلطنت این دو حکومت میباشد

سکانتونر تی بیوشنل

استرپا و نگاری هندی چسپیده و در هم است که در این مختصر و فشرده نمی گنجد.

ترتیب تحصیل علم این زمان عموم بهم رسانیده و مجبوری است بجهت اطفال از سن ه سالگی الی ۱۲ سالگی مگر تا این زمان اخیر که چندی میگذرد و قریب دو ثلث اهل ملک بکلی ناخوانده آقی بودند تحصیل علوم درجه اعلی بخوبی میشود در مذهب دار الفنون عظیم و همچنین در مدرسه های متعدده ملک - مذهب اهل این ملک اغلب رمن کتلیک است و نیز جمع کثیری بطریق مذهب یونان اند و دیگر طرق مذهب عیسوی و یهود هم بسیار است در این ملک -

تاریخ

استرپا از انجمن سلطنت با و مکه هائی است که قدیمی نیست و از تازگی نامی کرده و داخل سلطنت باشد در صد سال نهم عیسوی ریاستی بود بسیار کوچک که در آن امیری رئیس و جماعتی در آن بودند سپاهی پیشه مانند و شتستان فارس و شغل این جماعت نگاهداری حد شرقی جرمنی بود و از دستبرد و تاخت و تاز طوایف ممالک اشیا - در سال ۱۱۵۶ عیسوی طغی گشت با ارضی علیای روداتر و موسوم گشت به چی و قوت و اقتدار آن شروع شد هنگامیکه در تحت دارائی کونت های هم پیشتر بود که قتی از اوقات بسیار گم نام و حقیر بودند که مایه تصرف اصلی ایشان اندک زمینی بود و ملک استرپا را در حد و ملک که در صد سال سیزده و چهاردهم رفته رفته وسعت بهم رسانید و انگاه متعلق شد بجرمنی در سال ۱۴۳۰ که دیوک آن ملک بود تاج شاهی بر سر نهاد و ملک نگاری و نگاری

تاریخ استرلیا

را الحاق داد و ملک خود - در سال ۱۴۵۲ ملک استرلیا لقب شد به ارنج پچی و بواسطه بعضی مناسبات
 مناسب و نخواه برودی ترقی کرد و داخل شد و شمارا ملک عظیمه یورپ و انگلستان اسپین و ندرلند
 الحاق یافت بان بواسطه وراثت و همی امپراتور جرمنی و لیکن هر دو ملک مذکور جدا شد از
 استرلیا هنگامیکه چارلس پنجم و تخت ارا کرد در سال ۱۵۵۲ - چون در خاندان هابسبرگ اتفاق
 افتاد که وارث مذکور معدوم ماند در سال ۱۷۴۰ استرلیا مغشوش و پر قلند و آشوب افتاد و در میان
 مختلف مدعیان و باین جهت بسیاری از اراضی و حدود آن بشد و بخرشی از آن بدست کسی افتاد
 ولی در سال ۱۷۷۲ هنگامیکه ملک پنند مجرا شد حثه هم از آن با استرلیا الحاق یافت - از سال ۱۸۰۶
 مرتبه و خطاب امپراتوری جرمنی که خاص بود و پادشاهان ملک استرلیا را مدت ۳۶ سال مسلط شد
 ان ایشان بنیرو و استیلای ناپلین و فرانسویس که در همین عهد مذکور پادشاه این ملک بود مجبور
 گشت که بر خود قرار دهد خطاب امپراتوری استرلیا که تا کنون یعنی مالی الآن که بنده این تاریخ را
 بر نیگارم باقی مانده - بواسطه مجلس کانگری که نشست در شهر وینا در سال ۱۸۱۵ بواسطه صلح
 که بعد شد با ملک یورپ یا حدود ملک استرلیا نه فقط مستحکم ماند بلکه افزایش و ترقی یافت در تجارت
 بواسطه الحاق یافتن ملک و نفوس دو ملتیا -

له تاریخ و جغرافیای استرلیا
 له کتاب

هنگامی

توم گلیار که یکی از فواید های ملک اشیا بود و نیک است اگر نت در صد سال همین عیسوی است
 حکومتی نهاد و بوجوب رسم فیودل که تا کنون هم بحال خود باقی مانده است اختلافی که واقع بود
 فیما بین نمایین یعنی کسانی که اهل نیک است و سایر ملج خویشی که در آن مغلوبین بهمان سنت بود

۱۹۸
تاریخ هنرکاری

دارد تا بحال بواسطه احتلائی که در زبان ایشان است - مردم هنرکاری اغلب خود را مشغول و مشتغول
 به سپاهی گری و خود را در سواری امتیاز و اوند بر سوار بر هر ملکی در تمام ممالک عالم - و در قوم دیگر
 که ایشان را میخوانند و همچنین و اسکالون زمین آنها خود را مشغول و مشتغول بر اعیان و اشیای
 که پادشاه با ایشان میداد بشرط خدمت و چاکری در جنگ محاربه و در واقع بنده اهل هنرکاری
 بودند و اینها همواره در زیر لطمه و جور دستبرد و تاخت و تاز ترکان عثمانی بودند و چون پادشاه
 ایشان کشته شد در سال ۱۵۲۶ تاج ملک خود را بخشیدند بچاندان استریا که در زمان استقبال
 حافظ و حارسی باشند ایشان را و لیکن این قلاوه را که بگردن خود گذارند نشاند پیوسته مایه درود
 و خوف و حقد و حسد ایشان بود و چه مرمه هم چند زیادی نمودند که خود را باقی بخشیدند چنانچه
 بخصوص در سال ۱۸۴۸ که تمام یورپ را فتنه و انقلاب فرا گرفته بود و مگر بعد و بیاری دولت
 روس استریا االی هنرکاری را خوب مشغول ساخت و کلی مطیع خویش نمود و بسیاری از اهل
 خلاف و نفاق آن قوم را طاب و افکند و همچنین بسیاری از ایشان گرنجیه با لاک گیر بنا هبند
 آثار قدیمه - و بنا مع اراضی گرداگرد آن در قدیم الایام موسوم بود به بنازیکیم و چننیا
 و گاه گاهی در آن از آثار در میان هم چیز با یافت میشود و همچنین طریقی که بجهت عبور و مرور
 شکر بوده و دریرانه با و دیگر آثار نیز از زمن و میان تا کنون دیده می شود در ملک
 هنرکاری و سایر اراضی - مسجد جامع سنت استریتین در شهر وینا از بناهای گاهت است
 که بنایت باشکوه است و مجلل -

لله العلیین
 مع اسیر و توفیق

تقسیم خلاق - ساکنان استریا باید بر پنج صنف قرار داد (۱) اسکالون زمین که اکثر

تاریخ جنگاری

و اغلب باشندگان بھمیا و مروتیا و گلیشیا و کربنثیا و سپیشیا و ذلمتیا و اول
 المیریا و جنگاری هستند (۲) زمین که فرا گرفته اند تمام ارج و بی ملک استریا و بیشترین
 حصه ایتالیایا و بعضی جاهای دیگر (۳) خلقی که بزبان اهل روم متکلم اند که بعضی از آنها
 باشندگان ایتالیا و غیره هستند (۴) مگنیا که در جنگاری سکونت دارند همچنین در
 بعضی جاهای دیگر (۵) صنف پنجم مشتمل است از هرگونه قومی بیگانه مثل یهود و
 جیسیسیس و یونانی و ارمنی و فرنج و غیره.

ذات اسکونیا تقریباً همی از تمام خلق این ملک است و معروف و ممتاز است بحسب
 سرگرمی و شوقی که دارد در جنگ و حرب - آنها قی که از نژاد جرمن هستند در درجه دوم
 بحسب تعداد و لیکن در درجه اول اند بحسب عقل و دانش و کاروانی و فایده مندی -
 قوم دیگر که آنها را و لگت میخوانند و خود را رمنی میخوانند خودشان کسانی اند که در تمام
 از مختلف جاهای ممالک رومیان آمده اند در این ملک - قوم گلیا پیش از ۵ میلین
 مخلوق است و این قوم بسیار خوش صورت و هوشیار است و چنان تصور شده که
 این قوم خاص از ایشیا بوده و آمده است - در این ملک بقدر ۷۵۰۰۰۰ یهود است
 و بیش از ۱۰۰۰۰۰ جیسیسیس و این فرقه اخیر در ارضی جنگاری و حدود پلند منتشر اند
 خلق لائیردی و ونیس محنتی و ثابت قدم تراند در کار ازابالی سایر جاهای دیگر و شکلی
 نیست که ملک باین وسعت را لازم افتاده است که خلقش مختلف در حالت طبیعت باشند
 چنانچه در ضلع شرقیه آن اغلب مردم بهمیه سان در صحرا با بسری برند -

۱- جیسیسیس معروف است
 ۲- کربنثیا است این قلمرو
 ۳- قومی از قوم یهود و کزوات
 ۴- بعضی از فرق ایتالیان
 ۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۲۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۳۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۴۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۵۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۶۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۷۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۸۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۰- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۱- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۲- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۳- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۴- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۵- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۶- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۷- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۸- یهود و کزوات و کزوات
 ۹۹- یهود و کزوات و کزوات
 ۱۰۰- یهود و کزوات و کزوات

ملک اسپین

جغرافیا

این ملک را غالباً میخوانند **اسپانیول** ^۱ **پنین سوول** (یعنی پنیسوله اسپین) و این
 بجهت آن است که سه جانب آنرا آب فرا گرفته و هر زمینی که این قسم واقع است باید نام
 میخوانند چنانچه در آغاز کتاب مذکور شده - باری این پنیسوله که مشتمل است بر ممالک
 اسپین و پرتوگال با واسطه عتق یا گردنی اتصال یافته است ممالک فرانس و در آن گردن
 واقع است جبال پیر پیر که کشیده شده اند سرسرا سر آن گردن را از خلیج بوسکی و میرود
 تا بدریای مدیتره و این جبال مذکوره جدای سازند اسپین از فرانس -

مساحت این پنیسوله ۲۱۴۲۹۱ میل مربع است که از آن ۱۷۷۷۸۱ میل مربع خاک اسپین است
 و ۳۶۵۱۰ میل مربع خاک پرتوگال - طول این زمین ۶۳۵ میل است و عرضش ۱۵۱۲ میل
 تمام ساحل گرداگرد این ملک قریب ۲۰۰۰ میل است -

جزایر این ملک اینهاست -

(۱) **بلئیریک** - اجتماعی است از جزایر که از ۷۵ الی ۲۰۰ میل مسافت و درازا اسپین
 واقع است و تمام مساحت این اجتماع روی هم رفته ۱۷۵۷ میل مربع است و خلقت آنجا

اسپانیول

۴۰۰

جغرافیا